

زادی، مقدم بر هر مشرب
 بیاسی است. تا آزادی عقیده
 احترام نباشد هیچ مشرب
 بیاسی ایمنی ابر از پیدانمیکند
 ادبهای سیاسی و اساسی از حق
 بی فرد در جامعه جدایی پذیر نیست

پیغام امروز

شنبه

۱۷

شماره ۱۳۵۸

۱۳۹۹ رجب

۷ ژوئن ۱۹۷۹

شماره ۷۵ دوره جدید سال پنجم شماره ۱۵ سال

بر اساس مذاکرات آل شبیر عالی و استالدار خوزستان

عاملان کشتار خرمشهر دستگیر و مجازات می شوند

پاسدارانی که به خرمشهر اعزام شدند از منطقه خارج میشوند
 همه زندانیان حوادث اخیر خرمشهر آزاد می شوند

خرمشهر در آخرین ساعات
 روز سه شنبه آیت الله آل شبیر
 عالی و همسار مدنی در خرمشهر
 ملاقات کردند و موافقت کلی بین
 آنان در مورد امنیت و حفظ
 آرامش در خرمشهر بعمل آمد.
 خبر نگار خبرگزاری رویترا که با
 استاندار خوزستان صحبت کرده
 بود گزارش داد «توافق نامه که
 برخلاف انتظاز همه، حتی آگاهان
 و دست اندر کاران حاضر شده، حتی
 نزدیکان استاندار و رهبر جامعه
 عرب را دچار شگفتی و تعجب
 کرده است.» طبق توافقی طرفین
 ۴۶ نفر از زندانیان آزاد شدند و

۵۵ نفر دیگر طرف دویامه روز
 آینده آزاد خواهند شد. مدنی
 به خبرنگار رویترا اظهار داشته
 است، احتمالاً چند نفر هم محاکمه
 خواهند شد.»
 ملاقات ناگهانی و توافقی
 شهر منتظره که تا چند ساعت قبل
 بقیه در صفحه ۷

کودتا و ضد کودتا

از معاون وزارت کشور، و سرپرست استانداری فارس،
 نقل کردند که: در حال حاضر، برچیدن کبیتها، کاردرستی
 نیست، زیرا، اگر قدرت به دست ارتش و شهربانی بیفتد،
 خطر کودتا علیه انقلاب وجود دارد.

در این صلاح اندیشی چند عنصر درست و منطقی وجود
 دارد و چند عنصر نادرست، آنچه منطقی است اینست که،
 انقلاب، در ایران مستقفا را برداشته است، ولی ستونها
 پابرجاست. و کشیدن پوشش تازه روی ستونها و پایهها، کار
 دشواری نیست. هر لحظه، و در هر فرصت این خطر پیش روی
 جامعه قرار دارد، و دادگاه های انقلاب، شکاف را هر روز
 زیادتر کرده است. بی آنکه نقیص دادگاهها باشد.

ارتش، برای نیروهای انقلابی، همچنان یک لانه خطر
 است، حتی پس از فروریختن، ولی چگونه و چه کسانی باید
 ارتش را، از حالت کنونی بیرون بیاورند؟ به سایر ارگانهای
 انتظامی بیش از ارتش نمی توان اعتماد کرد. و خطر هزاران
 سردار که هر سران از یک رخنه مرئی نامریی سرگرمی کنند،
 بنیاد های اقتصادی، که سازمانها، از آنها تغذیه می-
 کنند، با وجود ماهیت شدید ضد انقلابی خود، از درسازش با
 ارکان حاکم انقلاب درآمده اند، و صاحبان آنها، یک یک،
 به وطن باز می گردند، و یک یک در توطئه های ضد ملی و ضد
 انقلابی، مشارکتی ماهرانه دارند.

بقیه در صفحه ۷

نکته و نگاه:

پس از دیدار دیهیب استاندار
 خوزستان، و آیت الله فیخ
 محمد طاهر آل شبیر هاقانی،
 ناگهان توافقی، در خرمشهر
 فروکش کرد.

این بسیار پر معنات است
 که می توانست به این آسانی
 مسائل را فیصله بخشد چه
 شده بود که لباس غضب به
 تن کرده بود؟ و چه خوبست
 که استاندار، جای لباس
 کبود خشم، لباس سفید
 تدبیر بپوشد.

ما، توافقیهای استاندار را
 با رهبر مذهبی خوزستان،
 به فال نیک می گوییم و
 آرزو می کنیم خورشید
 آرامش و اعتماد، ازین سو
 طلوع شود.

ششیر قرارداد بین برادران
 و جدا کردن آنها از هم، کار
 عاقلان معتقد به انقلاب
 نیست. این وظیفه را همان
 بهر که برای امثال جعفریان
 بگذاریم، و دوران سپری شده

شیخ عزالدین حسینی
 گردهمایی
 سنندج توطئه
 علیه خلق کرد
 است

اجتماعی که توده مردم و
 نمایندگان زحمتکشان شرکت
 نداشته باشند بی ارزش است

شیخ عزالدین حسینی رهبر
 مذهبی و سیاسی کردستان شب
 گذشته در یک گفتگوی تلفنی با
 پیغام امروز اظهار داشت که
 گردهمایی سنندج یک توطئه علیه
 خلق کرد است و من در آن شرکت
 نخواهم کرد. او اضافه کرد که
 این گردهمایی صرفاً یک اجتماع
 روحانی است و آنطور که عنوان
 شده گروههای سیاسی مترقی در
 آن شرکت ندارند. واضح است
 که چنین اجتماعی فقط می تواند
 به امور مذهبی رسیدگی کند. و
 صلاحیت رسیدگی به مسائل
 پیرامون خود مختاری کردستان
 را ندارد. من معتقدم قشر
 روحانی به تنهایی نمی تواند به
 حل این گونه مسائل بپردازد.
 و باید تمام گروهها و طبقات
 زحمتکش و کشاورزان و کارگران
 در این امر مهم شرکت داشته
 باشند. من نگر می کنم در اجتماعی
 که توده های مردم و نمایندگان
 زحمتکشان در آن شرکت نداشته
 باشند، هیچ ارزشی نخواهد
 داشت.

شیخ عزالدین حسینی گفت:
 بقیه در صفحه ۷

امپریالیسم جهانی چرا از سیاست خارجی ایران اظهار رضامندی می کند؟

امپریالیسم چشم امید بر سیاست خارجی ایران دوخته
 است، و از این خط مشی آن چنان راضی است که بدون
 رعایت متانت دیپلماتیک، مکتوبات قلبی خود را آشکارا
 بیان می کند. آمریکا چنان رفتار می کند که گویی در مراکز
 حساس نهضت انقلابی ایران از پایگاه های مطمئن برخوردار
 است: در یک جنبه، در جنبه سیاسی، نمایش کنگره ای
 برپا می سازد، و در جنبه دیگر، در جنبه نظامی، با سرعت
 بی سابقه آرایش جنگی به خود می گیرد، و در همان حال با
 نگاهی مطمئن از پیروزی، از آزادی خویش سخن می گوید
 و با پیشنهاد همه نوع «همکاری» - چه اقتصادی و سیاسی و چه
 نظامی - دست حمایت به پشت هواداران خود می کشد.
 بنابراین آنچه خبرگزاری فرانسه می گوید: «دولت آمریکا بار
 دیگر هرگونه مداخله در امور ایران را انکار کرد. در
 اعلامیهی وزارت امور خارجهی آمریکا تاکید شده است: ما
 هرگز در امور ایران مداخله نکرده ایم و خیال چنین مداخله ای
 را هم نداریم. واشنگتن مایل است ایران تمام مواردی را که
 معتقد است آمریکا در امور آن کشور دخالت کرده است اعلام
 کند»، (اطلاعات مورخ ۱۲/۳/۵۸). درست است که تا رویداد
 بقیه در صفحه ۷

کارگران سیمان آبیک برای دادخواهی به دفتر آیت الله طالقانی رفتند

کارگران: کارفرما با مامورین مسلح کارخانه را احاطه می کند
 عصر دیروز گروهی از
 نمایندگان کارکنان سیمان آبیک
 با پلاکارد «رهات مسلحانه
 آقای منصور سجایی را محکوم
 می کنیم» برای احقاق حق به
 کبیته آیت الله طالقانی مراجعه
 کردند. نماینده کارگران گفت:
 منصور سجایی از روزی که به
 کارخانه آمد، ۲۰ مامور مسلح
 همراه داشت. چندی نگذشت

لایحه مطبوعات

طرحی نه انقلابی و نه آگاهانه
 و مشکل گشا (۱)

طرح لایحه مطبوعات، که از جانب وزارت ارشاد
 ملی تهیه و منتشر شده است. در باب، چیزی شبیه همان
 طرحی است که سابق تهیه و تدوین می شد، جز اینکه، در طرح
 تازه، شرط سن و شرط سواد را سبک گرفته اند، و شرط
 سرمایه را، بطور کلی سر بسته گذاشته اند.

مطبوعات، یک وسیله ارتباطی است، و نشر و
 بیان افکار و عقاید و صلاح افدیشی در امور عمومی، دفاع از
 یک اندیشه و عقیده و انتقاد از اندیشه و عقیده دیگر، و نظر
 داشتن به ترقی سطح معلومات مردم، در زمینه های مختلف
 اجتماعی و سیاسی و دینی و علمی و فرهنگی و نظایر
 آن فرع این وسیله ارتباطی بودن مطبوعات است.
 غیر از مطبوعات، وسایل ارتباطی دیگر هم وجود
 دارد که همه، متعلق به جامعه است. و برای هر فرد عضو
 جامعه، حق بهره روری ازین وسایل، یکسان باید در نظر
 گرفته شود. از روزنامه و مجله، و راه پو و تلویزیون، تا
 سینما و تئاتر.

مردم حق دارند، همانطور که روزنامه می خوانند،
 روزنامه تولید کنند. همانطور که رادیو گوش می دهند، خود
 از رادیو سخن بگویند، و همانطور که به تلویزیون نگاه
 می کنند، خود در صفحه تلویزیون ظاهر شوند.
 این حق مردم است، و حکومتی که به حقوق مردم،
 قایل است نمی تواند و نباید حق مردم را محدود سازد، و یا
 نادیده انگارد. و تعریف ناقص ماده لایحه، ناظر بر چنین
 حق نیست و تعریف درست از مطبوعات، از وسایل ارتباط
 جسمی دیگر بدست نمی دهد، و نفس تجزیه وسایل ارتباط
 بقیه در صفحه ۸

اعتراض به دستگیری ۹ تن از اعضای حزب کارگران سوسیالیست

بابک زهرایی: دولت و مسئول این وضع میدانیم و خواستار آزادی فوری وی قید و شرط دستگیرشدگان هستیم

عصر دیروز هرمز رحیمیان و بابک زهرایی، اعضای حزب کارگران سوسیالیست در یک مصاحبه مطبوعاتی، اطلاعات تازه‌ای در مورد دستگیری ۹ تن از اعضای حزب در اهواز، در اختیار خبرنگاران گذاشتند. رحیمیان اظهار داشت: «روز چهارشنبه ۹ خرداد، ۲ نفر از اعضای هیئت اجراییه حزب کارگران سوسیالیست اهواز بوسیله پاسداران کمیته دستگیر می‌شوند و روز جمعه ۱۱ خرداد نیز ۷ تن دیگر توقیف می‌گردند. باحمله‌ای که به منازل این اشخاص می‌شود، کلیه کتب، نشریات، نامه‌های خصوصی و حتی وسائل شخصی آنها نیز ضبط می‌گردد. در تماسهایی که با مقامات مسئول گرفته‌ایم، هیچکس از اتهامات دستگیرشدگان اطلاعی ندارد. مدتی است استاندار خوزستان گفته است که من در این مورد هیچ اختیاری ندارم و دادسرای انقلاب باید تصمیم بگیرد. وکلای دادگستری که مأمور رسیدگی به این مسئله هستند، با شخصیه غام ستاریان که نماینده شیخ

دستگیری حماد شیبانی زنک خطر است برای همه مبارزان راه رهایی

«سعد» عضو نظامی الفتح (ابراهیم نجفی خراچی) که یکی از همزمان حماد شیبانی است، دیروز برای اعتراض به بازداشت «حماد» به جمع متحصنین دادگستری پیوست.

وی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد: دستگیری حماد زنک خطر است که همه مبارزان راه رهایی خلقهای جهان را تهدید می‌کند. متن بیانیه سعد چنین است:

من یکی از همزمان «حماد شیبانی» در جبهه نبرد فلسطین هستم که بعد از پیروزی خلقهای دلاورمان بایران بازگشتم. در اوائل سال ۷۸ سازمان آزادیبخش فلسطین «الفتح» پیوستم و پس از آموزشهای نظامی که در شرکت در جبهه جنگ همراه بود در نبرد «مارون الراس» شرکت کردم و در مارس سال ۷۸ که پنجمین جنگ بزرگ فلسطین علیه اشغالگران صهیونیست آغاز شد شرکت داشتیم. در یکی از عملیات موفقیت آمیز که منجر به شکستن حلقه محاصره دشمن

قانون اساسی پر تغال و حقوق مردم این کشور (۷)

ماده ۶۰ - منشوعیت بستن کارخانه یا محل کار بستن کارخانه یا محل کار برای جلوگیری از ورود کارگران یا کارکنان ممنوع است.

ماده ۶۱ - شرکتهای تعاونی و خود مدیریت حق تأسیس شرکت تعاونی برای همه تضمین است. دولت، صنایع و بر طبق برنامه ریزی ملی، از ابتکارات ترویج و اشاعه شرکتهای تعاونی حمایت کامل بعمل می‌آورد.

فصل دوم سازمان اقتصادی

ماده ۸۰ - پایه گذاری سازمانهای اقتصادی واجتماعی سازمان اقتصادی واجتماعی جمهوری برتغال بر پایه گسترش روابط موسیالیستی تولید قرار دارد که از طریق اشتراکی کردن وسائل اصلی تولید، زمین و منابع طبیعی، و اعمال قدرت دموکراتیک طبقه کارگر بحرحله اجراء درمی‌آید.

ماده ۸۱ - اولویت های دولت

دولت در تضمین هدنهای زیر اولویت قائل است:

- ۱- کوشش در بالا بردن رفاه اقتصادی واجتماعی مردم، به ویژه برای طبقات محروم اجتماع
- ۲- تثبیت اقتصادی وتأمین اشتغال کامل نیروهای تولیدی.
- ۳- کوشش در گسترش برابری میان شهروندان از طریق ایجاد گرگونی نهادهای اقتصادی واجتماعی.
- ۴- تعدیل نابرابری دوتوزیع ثروت ودراآمد.
- ۵- هدایت توسعه اقتصادی واجتماعی بسوی یک رشد متعادل همه بخشها ومناطق.
- ۶- گسترش روابط اقتصادی با کلیه ملل، ضمن تضمین استقلال ملی وحفظ منافع ملت پرتغال واقصادکشور.
- ۷- برانداختن وسامنت ازتشکیل انحصارهای خصوصی از طریق ملی کردن پاندا بیدرنگر و جلوگیری از سوء استفاده از قدرت اقتصادی و هرگونه اعمالی که مخالف مصالح ومنافع عموم باشد.
- ۸- اجرای اصلاحات ارضی
- ۹- رهش کن نمودن مستمر لایبره های اجتماعي واقصادی این سهر وروستا.
- ۱۰- تضمین رقابت سالم

کارگران سیمان

بقیه از صفحه ۱

از شورای اجرایی اعتراض کردند. اما مأموران مسلح به کارخانه باشلیک هوایی به اعتراض آنها پاسخ دادند. بدنبال ادعا اعتراض از طرف کارگران مأموران مسلح به آنها حمله کرد و ۵ نفر را با تسدق تفنگ زخمی کردند.

منصور سعابی، مدیر کارخانه، به کارگران گفت: «از دولت حکم داریم و هر کسی که حرف بزند از کارخانه اخراج می‌کنیم یکی از کارگران می‌گفت تاکنون ۷۰ نفر از نماینده کارگران اخراج شده‌اند. او عده، نه در منزل و نه در محل کار تامین جانی ندارند.

روز شنبه از طرف کارگران نماینده‌ای به کمیته آیت الله طالقانی مراجعه کرده، خواست رسیدگی به وضع کارگران قرار بود امروز (چهارشنبه) نماینده آیت الله طالقانی، همراه نماینده کارگران به کارخانه بیاید و نتیجه مذاکره با کمیته آیت الله را برای کارگران مطرح سازند اما چون نماینده آیت الله طالقانی و نماینده کارگران امروز به کارخانه نیامدند، کارگران تلفنی با کمیته آیت الله تماس می‌گیرند. از طرف کمیته به آن می‌گویند مساله در دست بررسی است و اگر لازم شد نماینده به کارخانه اعزام می‌کنیم.

نمایندگان کارگران پس هیندن این پاسخ، امروز (چهارشنبه) به خانه آیت الله طالقانی مراجعه کردند تا مستقیماً با ایشان مطرح سازند

آگهی تفریحات در شرکت اکسید
باشمولیت محدود ۲۲۲۲۸۸
برابر تصمیم مورخ ۵/۹/۷۷
مجتمع فرگاه تفریحات زهر
شرکت مذکور بمبلغ ۱- هر فرد
آذراکسید سهامی خاص هفت
هزار ریال کلیه سهم شرکت خور
را از صندوق شرکت دریافت
شرکت خارج کرده ۷- آنها
ابوالقاسم مقیمی آذری بهناستان
۷۵۶ صادره قبضه با پرداخت
۱۵۰۰۰ ریال خانم طاهر
حسن پور خامنه بهناستان ۱۸
صادر تهران با پرداخت
۵۵۰۰۰ ریال بشرکت وار
و جزه شرکا، گردیده اند نسبت به
مرمیه شرکت تغییر حاصل نشد
۳- ضمن اصلاح مواد
و ۸ اسانامه آقایان مهندسان
علی اصغر مقیمی آذری و علی
اکبر مقیمی آذری و ابوالقاسم
مقیمی آذری هر یک با یکصد
پنجاه هزار ریال و خانم طاهر
حسن پور خامنه با هاتصد و پنجاه
هزار ریال سهم شرکت را
شرکت میباشند و آقایان مهندسان
علی اصغر مقیمی آذری بست
عضو ومدیر عامل ومهندس علی
اکبر مقیمی آذری بست عضو
ورئیس هیئت مدیره و ابوالقاسم
مقیمی آذری بست عضو ورئیس
ومهندس ابوالقاسم مقیمی آذری
بست عضو ونایب رئیس هیئت
مدیره بست تا محدود انتخاب
و حق امضاء با دو نفر از
نفر مدیران مرقوم متفقا و با
مهر شرکت میباشد.
مدیر کل ثبت شرکتها و
مالکیت صنعتی - یحیی مدنی

پیغام امر فرزند
مدیر مسئول - رضا مرزبان
زهر نظر شورای نویسندگان
ناشر: پیغام نو
نظامی پهنی هر روز صدوق
شماره ۷۱۷۶۶۷

آزادیهای سیاسی واجتماعی، تجزیه پذیر نیست

کنکور عمومی واختصاصی

(دوره های فشرده)

گروه علوم تجربی اقتصاد وعلوم اجتماعی

با همکاری ورزیده ترین دبیران پایتخت

پرند، چهار راه جمهوری (شاه سابق) مقابل شانزه لیزه تلفن ۶۶۲۲۳۵

یافاشیسم در آلمان تکرار میشود

انتخاب کارل کارستنز ریاست جمهوری که از فعالین سازمان هیتلری بود اروپا تهدید می کند - قدرت احزاب میانه رو و سوسیال دمکرات رو بزوال است

سرانجام کارستنز، بملت فدرال آلمان ریاست جمهوری شد. حزب سوسیال دمکرات بملت فدرال، بعنوان کاندید و پیروز در انتخابات ریاست جمهوری انتخاب گردید. گرایش وسیع و خطرناک به سمت راست در صحنه سیاسی آلمان غربی در ماههای گذشته در انتخابات، کاتاندا و آلمان دیده شد. زنگ خطر جدی در آلمان در انتخابات است. کارستنز ریاست جمهوری بسیار کم سابقه است. وی در زمان جنگ وکیل دادگستری بود و در حزب «ناسیونال سوسیالیست» (حزب هیتلر) فعالیت میکرد. تا اواخر جنگ آلمان تیز رسید. از مشاغل گذشته وی مدیریت دایره کسب (خبر) سازمان جاسوسی آلمان است و تا این اواخر در بخش ملاحضات غیر معمول و بیگانه شرکت داشت. کارستنز از «عقابهای» پارلمان آلمان بود و مخالف سرسخت ریاست شرقی سوسیال گرماها.

ریاست جمهوری رسیده بودند از جمله هینرش لوبکه که مهندس معمار کوره های آدسوزی هیتلری بوده است. **تظاهرات بن برای مخالفت با کارستنز** بر علیه کارستنز از طرف تمام شخصیتهای مبارز سیاسی چون کوتروالراف نویسنده پروفیسور آبنروت - پروفیسور آلتفان - از مردم خواسته شد که در میتینگ شهر بن شرکت نمایند. و چند تن از رهبران سندیکای کارگران از مردم دعوت نمودند در تمام شهر های آلمان تظاهراتی بر علیه عضو فعال سابق حزب هیتلری آقای کارل کارستنز انجام دهند. در شهر بن تظاهرات خیابانی انجام پذیرفت در این تظاهرات نمایش خیابانی از طرف ۲۲ گروه از هنرمندان آلمانی و برای ترسیم تاریخ که از سال ۱۹۳۳ الی ۱۹۴۵ را که صدارت هیتلر را به یاد میاورد در خیابانها و جلوی شهرداری شهر بن انجام پذیرفت. هنرمندان نمایش را از روی قطعه شمعی از برشت که «تکرار هرج و مرج» نام دارد را به صحنه در آورده بودند. (در این شعر تصویری از تکرار تاریخ میشود و فاشیسم را ترسیم می نماید).

قیصر آلمان در جنگ کشته شد. از آنجائیکه وضع مالی خانواده خوب نبود و حقوق بازنشستی مادرش کفایت تحصیل را در دانشگاه نمیداد لذا اداره فرهنگ شهر برمن هزینه تحصیلی برای او مقرر گردانید. او در فرانکفورت در رشته حقوق قضائی اشتغال به تحصیل نمود و در شهرهای دیون مونیخ کونیگس برگ و هامبورگ در این رشته درس خواند و بالاخره در سال ۱۹۳۶ امتحانات خود را در رشته حقوق با اخذ لیسانس به پایان رسانید، و همچنین در این رشته دکترا هم گرفت. او عضو حزب ناسیونال سوسیالیست هیتلری میشود و درابتدای مس - آ (گروه ضربت) فعالیت مینماید و بعد وارد کانون وکلای ناسیونالیست میگردد. در جنگ دوم جهانی او پیش از زمان معمول به پشت جبهه باز گردانده میشود. هیتلر در این مورد دستور داده بود که آخرین فرزندان آن کسانی که پدرانشان در جنگ اول کشته شده بودند را به پشت جبهه برگردانند. او تا پایان جنگ جهانی دوم با درجه فرمانده و تعلیم دهنده در گروهان زمینی عقاب (۳) در برلین اشتغال داشت. از سال ۱۹۴۸ بعد کارستنز به مقامهای متعددی میرسد. او برای یک سال تحصیل در آمریکا هزینه تحصیلی دریافت میدارد و در دانشگاه ییل اشتغال به تحصیل مینماید. او بعداً آنچنان شیفته آمریکائی

ها میشود که برای اتحاد آلمان و آمریکا تلاش می کند و بعد از طی مراحل سیاسی پیچیده رهبر فراکسیون حزب دمکرات مسیحی در پارلمان میشود. کسی که کارستنز را به این پست نشانده کسی جز فرانس جوزف اشتراوس نبود. او که یکی از راستگرایان و نمایندگان سرمایه داران بزرگ و انحصارات آلمان میباشد و در فن و تبلیغ و تحریک مردم به جنگ سرد و احیاناً گرم استاد میباشد برای اینکه بالاخره خود هم به آرزوی دیرینه اش برسد در سال گذشته پیشنهاد انتخاب کارستنز را می نماید. فرانس جوزف که معروف به هیتلر مهاجر در آلمان است و رابطه صمیمانه هم با شاه داشت و وی تصمیم دارد خود را برای انتخابات آینده برای پست نخست وزیری کاندید نماید.

پلیس چند نفر از هنرمندان را که سردمداران فاشیسم معاصر را ترسیم مینمودند دستگیر کرد **ژلدگی نامه کارل کارستنز** کارل کارستنز در ۱۴ دسامبر ۱۹۱۴ در شهر برمن به دنیا چشم گشود. پیش از اینکه او چشم بدنیاد بدوز پدرش برای دفاع از

امپریالیزم در آمریکای مرکزی بدام افتاده

امپریالیزم در آمریکای مرکزی با مشکلات جدی روبرو شده است. رژیم های دست نشانده نیکاراگوئه، ال - کالون، و گواتمالا چهار بحرانهای سیاسی شده اند و نیروهای بادی کال هر روز بیش از پیش دولتهای این سه کشور را بمبارزه می طلبند. رشد جنبش های انقلابی در آمریکای مرکزی، و بخصوص در نیکاراگوئه، بسیار شده دولت آمریکا از احتمال بوجود آمدن چند «کوبای» دیگر در منطقه بوحشت بیفتند. با اینحال امپریالیزم یانکی امکانات زیادی برای جلوگیری از گسترش جنبش انقلابی دارد. در سالهای دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۷۰ آمریکایی ها موفق شدند در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین جلو جنبش های انقلابی را سد کنند. در این سالها سیاست آمریکا در یکسو به رونق نسبی اقتصادی سرمایه داری جهانی، و نیروی دیگر به سرکوب وحشیانه انقلابیون توسط رژیم های نظامی دست نشانده متکی بود. ولی از اواسط دهه ۷۰ وضع بتدریج تغییر کرد. رژیم های وابسته به آمریکا مشکلات اقتصادی روبرو شدند و نظامیانی که قدرت را دست گرفته بودند، نتوانستند با ادامه سیاست سرکوب از رشد حرکت های اعتراض جلوگیری کنند. ضعیفترین حلقه در زنجیر سلطه امپریالیستی نیکاراگوئه بود که جنبش انقلابی مسلحانه در آن بسرعت رشد کرد تا جائیکه درگیری - های چریکی یا دولت به یک جنگ داخلی تمام عیار تبدیل شد. به محض اینکه تضادهای سیاسی در این کشور بالا رفت، آمریکایی ها سیاستمداران میانه رو و اصلاح طلب را «میانیگری» و نجات رژیم کردند، ولی جنبش انقلابی بسرعت همگیس و قهرآمیز شد که سیاستمداران فریبست عملاً از میدان بیرون رانده شدند و چریک های سازماندهی شده تیروی تعیین کننده در اپوزیسیون در یکبارگی رژیم قرار گرفتند. اکنون جنبش ضد امپریالیستی در حالت آماریکای و یا حمایت از رژیم «ساموزا» به قدرت انقلابیون خواهد افزود. در سالوادور نیز جریانات مشابهی در حال وقوع

است. یک جنبش مسلحانه بر زمینه نارضایتی عمومی رشد می کند و سرکوب های دولت نظامی تاکنون فقط مقاومت مردم را افزایش داده و تضاد آنها را با رژیم حادتر کرده است. رژیم ال سالوادور ماه گذشته دهها نفر از چریک های چپگرا و تظاهرکنندگان را از پای در آورده است، با اینحال هر روز تعداد تظاهرکنندگان و شماره عملیات چریکی بیشتر می شود. نظامیان ال سالوادور هم، مانند داروسته «ساموزا» در نیکاراگوئه، دولت آمریکا را مسئول مشکلات خود می دانند. آنها می گویند «عدم قاطعیت» آمریکا در حمایت از رژیم های نظامی سبب می شود مخالفان این رژیم ها موقعیت مناسب تری بدست آورند و بتوانند به آسانی مردم را بسیج کنند. یک افسر عالی رتبه ارتش ال سالوادور خطاب به دولت آمریکا چنین گفته است: «این ما نبودیم که مبارزه با کمونیزم را انتخاب کردیم، بلکه شما بودید که این تصمیم را برای ما گرفتید. وزارت خارجه آمریکا قبلاً از ما حمایت می کرد، ولی حالا شما می گویند دیگر از کارهای ما راضی نیستید. اکنون شما مدعی می شوید ارتش می تواند مسایل اقتصادی و اجتماعی را حل کند. مطمئن باشید ما می توانیم این کار را انجام بدهیم. ولی برای این منظور ما مجبوریم عده ای را بکشیم. برای رسیدن به دموکراسی، لازم است بعضی از افراد کشته شوند.» این استدلال که طرز فکر شاگردان مکتب سرکوب امپریالیستی را منعکس می کند، در شرایطیکه امپریالیست ها می خواهند با رفرمیسم و دادن امتیاز از انقلاب جلوگیری کنند، دیگر موثر نیست. نظامیان حاکم بر نیکاراگوئه، ال - سالوادور و گواتمالا هم، مثل شاه سابق ایران، در مسیری قرار گرفته اند که راه بازگشتی ندارند آنها باید یا جنبش مخالفان را کاملاً درهم شکنند و یا خود سرنگون شوند. از سوی دیگر، آمریکایی ها که می دانند این رژیم ها دیگر کارایی خود را از دست داده اند، مایل نیستند با حمایت مستقیم آنها خود را بیش از پیش در برابر جنبش های انقلابی قرار دهند. ولی از آنجا که امپریالیست ها جانشینان مناسبی هم برای این دولتها ندارند، در موقعیت دشواری قرار گرفته اند و تا حد زیادی ابتکار عمل را از دست داده اند. **بایک**

سفیر ایران در شوروی گفت:

دولت آمریکا هنوز مشی خود را در وضع موجود ایران تعیین نکرده

دکتر محمد مکرری - سفیر ایران در اتحاد شوروی پس از تسلیم استوارنامه های خود در کرملین با الکساندر خاجیکیان مخبر خبرگزاری جدید شوروی مصاحبه کرد. دکتر مکرری گفت: ما با اتحاد شوروی صرفنظر از نظام های اجتماعی متفاوت، همیشه روابط دوستانه داشتیم. ما برای استحکام بیشتر روابط حسن همجواری با همسایه شمالی خود کوشش خواهیم کرد. ما می توانیم و باید به اجرای اصول حق حاکمیت کشورها قائل شویم اصولی که اتحاد شوروی در راه تحقق آنها مبارزه میکند و ما تمام و کمال از آنها پشتیبانی می کنیم. ما بدون مداخله در امور یکدیگر می توانیم و باید روابط دوستانه واقعی و مستحکم بین کشور های خود ایجاد کنیم. رهبران دولت ما - نخست وزیر - مهدی بازرگان و وزیر امور خارجه ابراهیم یزدی - و سایر شخصیت های بلند پایه تصریح نمودند که ما می خواهیم با تمام کشورها و بویژه با اتحاد شوروی که نزدیک ترین همسایه ما می باشد مناسبات دوستانه و صمیمانه داشته باشیم. ما بایستی روابط اقتصادی، فرهنگی و بازرگانی را با رعایت منافع یکدیگر همه جانبه توسعه دهیم. و این کاملاً میسر است. زیرا اتحاد شوروی - مانند کشور های سرمایه داری، استعمارگر نیست. اتحاد شوروی هرگز از پشت پناهی ضربه نزد و به انقلاب ما لطمه وارد نیارد. بدین ترتیب تمام امکانات برای توسعه دادن مناسبات ما بر مبنای معقول و قابل قبول برای طرفین موجود است و البته بر بهبود روابط سیاسی بین اتحاد شوروی و ایران تأثیر خواهد گذاشت. برای چنین توسعه ای در مناسبات ما امکانات مطلوبی فراهم میشود چرا که نهاد اجتماعی جمهوری اسلامی ایران اصول سرمایه داری را نمی پذیرد. به همین سبب علاقه ما نمی تواند بسوی دنیای سرمایه داری باشد. تمام شرایط برای بسط دوستی واقعی با اتحاد شوروی وجود دارد.

یادی از لاهوتی ضمن بحث در باره روابط فرهنگی دو کشور دکتر مکرری به لاهوتی اشاره کرد و گفت: لاهوتی همانند من کرمانشاهی است لکن بخش بیشتر عمر خود را در اتحاد شوروی در تاجیکستان بسر برد و برای پیشرفت ادبیات آن کارهای زیاد انجام داد. این نویسنده گان بنیادگذاران ادبیات تاجیک می باشند ولی برای ما هم گرامی هستند. امیدوارم که آثار آنها، حال بعد از انقلاب در مقیاس وسیع در کشور ما ایران چاپ شود. من امیدوارم که روابط ما در رشته های فرهنگ، علم، اقتصاد و بازرگانی با موفقیت در آینده بسط و گسترش یابد. ما باید نزدیک تر با هم همکاری کنیم. سفیر ایران درباره روابط ایران و آمریکا گفت: باید بگویم که دولت آمریکا هنوز خطمشی خود را در وضع موجود تعیین نکرده است. ولی سنا و ارگان های تبلیغات ایالات

متحده که زیر نفوذ صهیونیست ها قرار دارند بعنوان مدافعین منافع شاه مخلوع عمل میکنند. آن زمان که در عرض ۲۵ سال در ایران آدم ها را روز و شب می کشتند و در زندان ها نابود می کردند وزیر شدیدترین شکنجه ها قرار میدادند، آنها در صدر برنی آمدند از حقوق بشر در ایران دفاع کنند. طی دو سال اخیر در خیابان ها و کوچه های تهران هنگام تیراندازی بسوی مردم هر دفعه ۴۰۰ - ۵۰۰ نفر و حتی ۲ تا ۴ هزار نفر شهید شدند و در آن موقع حضرات آمریکائی ها از این وحشیگری ها ابراز انزجار نکردند ولی حالا که در ایران جنایتکاران به سزای اعمال خود میرساند آنها نارضایتی خود را ابراز داشته و گویا از حقوق بشر دفاع میکنند. واکنش کنونی آنها را فقط می توان حبل بر این نموده آنها بسیاری از امتیازات خود را در ایران از دست داده اند. امروز، دنیای سرمایه داری کاملاً درک نموده که در اثر انقلاب ایران چه لطمه چربی را از دست داده است و به همین سبب تبلیغات بهتان آمیز علیه انقلاب ما را دامن میزند.

تظاهرات دهقانان و دانشجویان در ژاپن

لهوزویک - مبارزه دهقانان و دانشجویان چپ علیه فرودگاه بین المللی «نارها» در نزدیکی توکیو همچنان ادامه دارد. مدت دوازده سال است گروهی متشکل از دهقانان وعده ای از رادیکال های ژاپنی برای جلوگیری از ساخته شدن این فرودگاه، و سپس برای مسانمت از پرواز هواپیماها از این فرودگاه مبارزه می کنند. دهقانان می گویند ساختن فرودگاه در این منطقه باعث نابودی زمین های کشاورزی می شود. رادیکال ها نیز سعی می کنند به اعتراض دهقانان شکل سازمان یافته ای بدهند و در مبارزه علیه پلیس ومقامات دولتی به آنها یاری رسانند. هفته گذشته مالگرد پایان یافتن عملیات ساخته شدن فرودگاه بود و حدود ۵۰۰۰ نفر تظاهر کننده برای اعتراض به این امر اجتماع کردند. دولت ژاپن نیز هفت هزار پلیس ضد شورش را برای مقابله با تظاهرکنندگان بسیج نمود. ولی این بار درگیری شدیدی پیش نهاد فقط تظاهرکنندگان موفق شدند با هوا کردن تعداد زیادی پادبادک، بالن و اشیاء دهگری که به هوا فرستاده می شد یک هلیکوپتر پلیس را مجبور به فرود اجباری سازند. تاکنون در اعتراضات درگیری های مربوط به ساختمان این فرودگاه بهج نفر کشته و هزاران نفر مجروح شده اند.

ریشه‌های تاریخی و اقتصادی امپریالیسم

مقالات

چه بسیار از زمینداران متعبد و صمیمی که بر تار و پود و بافت امپریالیسم شناخت دقیق ندارند، و چون این پدیده را بر شالوده‌ی مظاهر آن ارزیابی می‌کنند، به نوعی آرزوهای اخلاقی دست می‌یازند. متأسفانه رادیو - تلویزیون دوران انقلاب نیز همچنان در خط قدیم راه می‌پیماید و به جای آموزش علمی پدیده‌ها، در کلاف سردرگمی از مواضع اخلاقی گرفتار می‌باشد. دوجریان خاص موجب تنظیم این مقاله شد:

۱- در برنامه‌ی شبانه‌ی روز ۵۸۳۴، در پی تظاهرات چند میلیونی مردم ایران علیه امپریالیسم امریکا، گفت و گوی چند نفره‌ی در تلویزیون به نمایش گذارده شد. طرفین بحث، جدل داشتند بر سر این موضوع که دول امریکا و آلمان چه شیوه‌ای باید در سیاست پیش گیرند تا ملت‌های عقب مانده دست از کین و نفرت بردارند. در تاسمی مباحثه سخنی از روابط درونی امپریالیسم نرفت و به جای آن، پنداره‌ی شیرین و پندگونه، به صورت رهنمودهای عملی برای دول استعماری، یکی پس از دیگری صادر شد.

۲- وزیر امور خارجه‌ی دولت، در توجیه عذر خواهانه‌ی تظاهرات ضد امریکائی مردم، چنین ادعا نمود که گویا سیاست خارجی امریکا مسیر مستقلی دارد و در خطی جدا از مشی «قوه‌ی مقننه» حرکت می‌کند. این بدآموزی و تعریف حقایق هم در مطبوعات مہار شده و هم در رادیو - تلویزیون مورد تاکید قرار گرفت و بهانه‌ی تبلیغ این فکر شد که گویا سیاست دولت امریکا ذاتاً از خاستگاه امپریالیستی نیرو نمی‌گیرد، و گویا می‌توان این سیاست را متناسب با منافع ملی ملت‌های استعمارزده تعمیر و اصلاح نمود.

نخستین اثر مدون، تئوریک، علمی و مستندی که در پاره‌ی امپریالیسم به عنوان یک پدیده‌ی اقتصادی-اجتماعی تنظیم و منتشر شد مربوط به بهار ۱۹۱۶ است. این کتاب همان اثر مشهور «امپریالیسم به مثابه‌ی بالاترین مرحله‌ی سرمایه‌داری» است که تکیه دارد بر بررسی در آمارهای اقتصادی، روندهای مستعمارتی، اسناد علمی و تحقیقات ده‌ها محقق مشهور. لنین کل سیستم امپریالیسم را موشکافانه درون کاوی می‌کند و سیر تکاملی و ویژگی‌های خاص آنرا نشان می‌دهد.

حقیقت آن است که محتویات این اثر (در حدود ۲۰۰ صفحه) آن چنان فشرده است و خطوط ارتباطی و پیوندهای بحث‌ها چنان بهم پیچ خورده است که به زحمت می‌توان، بدون ایجاد خدشه، قسمت کوچکی از آن را ناخوانده گذارد. آنچه از نظر خوانندگان خواهد گذشت: در تمام خطوط اصلی بر مباحث این اثر قرار دارد، و هدف فقط آشنائی با مکانیزم و کارکرد امپریالیسم است.

۱- تمرکز تولید و انحصارها

شاخص‌ترین خصیصه‌ی سرمایه‌داری عبارت است از رشد عظیم صنایع و آهنک بسیار سریع تمرکز تولید در موسسات بزرگ و بزرگتر. جدول زیر شدت این تمرکز را در امریکا نشان می‌دهد. در این جدول، بنگاه‌هایی که ارزش تولید

سالیانه‌ی هر یک، از یک میلیون دلار به بالاست جزو موسسات بزرگ مشخص شده است.

تعداد کل موسسات تولیدی

سال ۱۹۰۹	سال ۱۹۰۴
۲۶۸۴۹۱ (۱۰۰٪)	۲۱۶۸۰۰ (۱۰۰٪)

تعداد موسسات بزرگ

سال ۱۹۰۹	سال ۱۹۰۴
۳۰۶۰ (۱/۱٪)	۱۹۰۰ (۹٪)

تعداد کل کارگران تولیدی

۶۷۶ میلیون	۵ میلیون
------------	----------

کارگران شاغل در موسسات بزرگ

۱۹ میلیون (۶/۲۵٪)	۲ میلیون (۵/۳۰٪)
-------------------	------------------

ارزش تولید کل در سال

۱۴۸ میلیارد دلار	۲۰۷ میلیارد دلار
------------------	------------------

ارزش تولید موسسات بزرگ

۶۵ میلیارد (۲۸٪)	۹ میلیارد (۸/۴۳٪)
------------------	-------------------

آمار بالا در عین حال که سرعت تمرکز صنایع را در جهت «انحصار» نشان می‌دهد حکایت از آن دارد که در سال ۱۹۰۹ نزدیک به تیمی از تولید در دست بنگاه‌های بزرگی قرار داشت که تعداد آنها از ۱/۱٪ کل بنگاه‌ها تجاوز نمی‌کرد. بخودی خود واضح است که در جریان حرکت سرمایه‌داری بر خط انحصار، رقابت آزاد از صحنه دور می‌شود زیرا حصول سازش بین موسسات عظیم که پیوسته از لحاظ حجم بزرگتر و از نظر نسبت عددی کوچکتر می‌گردند، امکان پذیر می‌شود. تبدیل رقابت به انحصار یکی از مهمترین - و یا دقیق‌تر بگوئیم، مهمترین پدیده‌های است که در سیستم اقتصاد سرمایه‌داری نوین مشاهده می‌گردد.

یکی دیگر از مهمترین ویژگی این مرحله‌ی نوین سرمایه‌داری در گرایش آن به سوی ترکیب است، یعنی جمع شدن رشته‌های مختلف صنعتی در یک بنگاه واحد. این رشته‌ها یا شامل مراحل پیاپی تبدیل مواد هستند (مانند ذوب سنگ آهن برای بدست آوردن چدن تبدیل چدن به فولاد تبدیل فولاد به این یا آن محصول) و یا نسبت به هم نقش کمکی دارند (مثلاً صنایعی که از فضولات و مواد قرعی برای تولید محصول استفاده می‌کنند، یا اشیاء مخصوص بسته بندی کالا می‌سازد).

هیلفر دینک در کتاب «سرمایه‌ی مالی» می‌نویسد که عمل ترکیب: «اولاً موجب تعادل وضع بازار می‌شود و در رابطه با نرخ سود، ثبات بیشتری برای بنگاه مرکب بوجود می‌آورد. ثانیاً به از بین رفتن روند تجارت منجر می‌گردد لثلاً در تناسب با بنگاه‌های بسیط (غیر مرکب) تحصیل سود بیشتری را تأمین می‌سازد رابعاً موقعیت بنگاه مرکب را نسبت به بنگاه بسیط تحکیم می‌نماید...»

هایمان، اقتصاددان بورژوازی آلمان، مواضع موسسات مرکب و موسسات بسیط رشته‌ی صنایع فلزی آلمان را در کتابی که به این مناسبت نوشته مورد تحلیل قرار داده و نتیجه گرفته است که: «موسسات جداگانه دم به دم بزرگتر می‌شوند. تعداد روزافزونی از بنگاه‌های یک رشته‌ی واحد یا رشته‌های

گوناگون صنایع به صورت موسسات عظیمی بهم پیوندند یک یا چند بانک عمده‌ی برلن تکیه‌گاه و اداره‌کننده این ترکیب است. صحت آموزش کارل مارکس درباره‌ی تمرکز، در زمینه‌ی صنایع معدنی آلمان به ثبوت رسیده است... در معدنی آلمان موجبات سلب مالکیت فراهم شده است. «بنگاه‌های مختلط در صنایع بزرگ فلزسازی آلمان، ۱۹۰۴ اشتوتگارت صفحات ۲۵۶ و ۲۷۸».

هرمان لوی در کتابی تحت عنوان «انحصارها، کارگران و تراست‌ها» به این نتیجه می‌رسد که «در بریتانیای کبیر همانا بزرگی موسسات و پلای بودن سطح تکنیک گرایش انحصار را در خود نهفته است». در انگلستان برخلاف دیگر کشورهای که تحت حمایت گمرکی تسهیلات زیادی برای پیدایی کارتل‌ها ایجاد می‌شود، موسسات انحصار فقط هنگامی بوجود می‌آیند که تعداد بنگاه‌های عمده‌ی رشته‌ی یک بنگاه به یکدیگر دو وجین رسیده باشد. در اینجا تأثیر تراست در پیدایش انحصار در صنایع بزرگ، با منتهای وضوح نشان داده است. (چاپ ینا - ۱۹۰۹ - صفحات ۲۸۶-۲۹۰-۲۹۸) مارکس در اثر بزرگ خود «کاپیتال» با تجزیه و تئوریک و تاریخی سیستم سرمایه‌داری، مدت‌ها قبل از پیدایش کارتل‌ها و تراست‌ها، ثابت کرده بود که «رقابت آزاد بر تمرکز تولید می‌شود و این تمرکز، در مرحله‌ی معینی از زندگی خود به انحصار منجر می‌گردد.»

زمان تبدیل قطعی سرمایه‌داری سابق به سرمایه‌داری نوین (یعنی تبدیل سیستم سرمایه‌داری متکی بر رقابت به سیستم سرمایه‌داری متکی بر انحصارها) در اروپا است با آغاز قرن بیستم. فرایند این تبدیل و تبدیل اقتصاددان آلمانی (ت. فوکلشتین در دو اثر بزرگ خود «موشکافی قرار داده است. «بنابراین نتایج اساسی، تا انحصارها بدین قرار است: سالهای ۱۸۶۰-۱۸۷۰ با بالاترین و آخرین مرحله‌ی تکامل رقابت آزاد انحصارها فقط در حالت جنینی تقریباً نامشهودی قرار می‌گیرد ولی هنوز نادرند، استوار نشده‌اند و پدیده‌ی گذر را تشکیل می‌دهند ۳- اعتدای پایان قرن نوزدهم و سالهای ۱۹۰۰-۱۹۰۳ مصادف است با تبدیل کارتل‌ها یکی از ارکان تمام زندگی اقتصادی. سرمایه‌داری به امپریالیسم تبدیل می‌گردد. کارتل‌ها درباره‌ی شرایط فروش، پرداخت و سایر مسائل سازش می‌کنند و مناطق فروش بین خود تقسیم می‌نمایند، مقدار تولید محصول و نرخ قیمت را معین می‌سازند، سود حاصله را بین موسسات جدا تقسیم می‌کنند و غیره و غیره...»

در گزارش کمیسیون دولتی امریکا (۱۹۰۹) نشان شده است که چگونه «رقابت به انحصار مبدل می‌شود. از جمله پروسه اختراعات فنی و تکامل تکنولوژی نیز اجتماعی به خود می‌گیرد.»

ادامه دارد
ع. ا. محبوبیان

درین صحنه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان دوست ما به شماره ۱۳۵۸ امروز منتشر می‌شود که درین داشتن این شماره روزنامه دفاع از آزادی و استقلال عقیدمسیاسی - چه بسیار دانشمندان ما از مسائل باطنی ما یکی باشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می‌کنیم.

امریکا ادامه دارد. امریالیسم ساکت نشینشده و عوامل خود و با همکاری ایادی وابسته برژیم سابق میکشور انقلابی مردم را از جهت ضد امریالیستی منحرف و در این راه، بتضادهای درون جامعه دامن می‌زند و منحصار داخلی ایجاد میکند. ناآگاهی و عدم رشد سیاسی برخی انقلابیون نیز به آنان کمک میکند و ناآگاهان ندانسته با اهداف امپریالیسم گام بر میدارند. در این میان فرصت طلبان و انحصارگرایان فرصت را مناسب میبینند. این میخوانند بمواضع قدرت دست یابند و سهم خود را از انقب که خود را محق آن میدانند، خواستارند و طالب منافع هستند بدسته بندی میپردازند و از آزادی بیان و عقیده احزاب درهراسند و کوشش دارند از اشاعه افکار و عقاید و گفتار مخالف خواسته‌های خود جلوگیری کنند و در این از ناآگاهان سود میبرند و آنان را بصورت لشکریانی بی‌سرمو موجب در خدمت میگیرند و در جهت امیال خود سوق میدهند این فرصت طلبان و انحصارگرایان را در تمام نقاط دنیا دید همچنانکه درآبادان. واقعه حمله به ستاد چریکهای فدای خلق درآبادان از ناحیه همین عناصر رهبری میشود. فدا تبلیغی فداثیها بمذاق اینان خوش نیاید. اینان با تح نادرست از وقایع و بدون توجه به حساسیت منطقه، بلج موقیعت جغرافیائی و اقتصادی و اجتماعی آن، و چشم مصلحتی به واقعیت‌های عینی، چون فعالیت فداثیها را مصالح خود تشخیص میدهند درجهتی پیش میروند که یوا روز ۳۱ اردیبه‌ماه حمله به ستاد فداثیها میانجامد.

نظریه هیئت تردیدی نیست که در فداای انقلاب نمیتواند و نی آزادی بدست آمده باخون هزاران شهید نابود شود و یا مح گردد. کلیه احزاب و گروههای سیاسی و اجتماعی خود را آزادانه و در مسیر اصول عقیدتی خود بپردازند. حمله ستاد چریکهای فدائی خلق و دستگیری و بازداشت آنان بینه

گزارش واقعه حمله به ستاد سازمان (۴) چریکهای فدائی خلق در آبادان

نقش فعال و محرک تنی چند از این افراد در کلیه حملاتی که به گروههای مختلف منجمله ستاد جنبش ملی مجاهدین خلق، کارگران پروژهای، دیپلمه‌های بیکار، دانش‌آموزان متحصن و حمله به ستاد فدائی‌ها، و تحریک مردم در کلیه این موارد به همراهی با خود، میتوان مشاهده کرد و ردپای آنان را یافت و اسناد و مدارک بدست آمده نقش این افراد را بنحو بارزی آشکار میسازد. در گفتگویی که با رئیس شورای انقلاب آبادان و معاون ایشان در مورد کمیته‌ها بعمل آمده آنان بوجود عناصری مغرض و ناپاب در کمیته‌ها اشاره نموده و لزوم تصفیه آنان را گوشزد کردند و حتی رئیس شورای انقلاب نقش عوامل کمیته در حمله به ستاد چریکهای فدائی خلق را مورد تایید قرار میدهند. علاوه بر آن حضرت آیت‌الله محمد طاهر آل شیبیر خاقانی رهبر مذهبی خلق عرب خوزستان باعضاء هیئت اعزاسی چنین اظهار میدارد:

«کمیته‌ها و تصرفات و مداخلات آنها در امور کشور و ادارات مورد تایید من نیستند و برای مردم ایجاد مزاحمت میکنند بطوریکه در چند مورد مشاهده شده که شبانه بدون مجوز شرعی وارد منزل میشوند و حتی مردی در حال فراش را دستگیر کرده‌اند و شکایاتی از آبادان، خرمشهر، راهواز بمن میرسد که حکایت میکند بعد از دستگیری سرپرست یک خانواده توسط افراد کمیته مال او از تعرض بصون نمانده است و چنین اجازه‌ای بفرهنگی در تشریح اسلام داده نشده است که خودسرانه به حیثیت و جان و مال افراد تعرض کنند.»

در خصوص حمله به متحصنین نظی ایشان چنین است: «متحصنین هم خواسته‌ها و حقوقی دارند و اغلب گرسنه هستند اینها مظلوم هستند و اینکه همه اینها مارکسیست هستند برایم قابل قبول نیست. بفرض اینکه مارکسیست و کمونیست باشند حمله به اینها و چریکهای فدائی خلق کاری را حل نمیکند.» یک مقام مسئول استناداری در مورد وضع کمیته‌های

آبادان چنین اظهار نظر میکند: «اصولاً افرادی که در تمام رژیمهای خودشان را بعنوان مختلف در ادارات و مقامات نفوذ میدهند همان تیپ هادر کمیته‌ها نفوذ کرده‌اند و قبلاً افراد خیلی بدنامی بودند ما هم پیشنهاداتی برای تصفیه دادیم. در کمیته‌ها فقط آیت‌الله دهنشتی و آیت‌الله جمی افراد صالحی هستند ولی دیگران افراد نامشالعی هستند و آقای تشکری و حاجی زری یاف و ذغالی مبارزاتی با رژیم قبلی داشتند ولی این دلیل بر صالح بودن افراد نیست.»

نتیجه مردم ایران بیش از نیم قرن تحت تسلط قدرت زور و سرنیزه بسر برده‌اند. هرندای آزادی طلب و آرمانخواه از سوی رژیم خونخوار پهلوی و دار دسته مزدور آن خشفه میشد. منافع ملی بفارت میرفت و اساس اقتصادی جامعه توسط رژیم، در خدمت امپریالیسم، بوابستگی کامل می‌گرایید. طی این مدت گروههای مبارز در داخل و خارج کشور و با ایدئولوژیهای مختلف بلحاظ جو فاشیستی حاکم بر کشور طریق مسلحانه و قهرآمیز مبارزه را انتخاب کردند.

انقلاب مردم که نقطه‌های شروع آن از سال ۱۳۵۶ قابل مشاهده است در سال ۱۳۵۷ به انقلابی فراگیر مبدل میشود که با خصیصه ضد استبدادی و ضد دیکتاتوری حرکت خود را آغاز مینماید و در مسیر رشد خود خصیصه ضد امپریالیستی نیز پیدا میکند. انقلاب بسرعت پایه‌های لوزان رژیم خودکامه پهلوی را متزلزل تر کرده و عاقبت قیام قهرآمیز مردم در روزهای ۲۱-۲۲ و ۲۳ بهمن ماه ۱۳۵۷ زندگی رژیم را در هم میپسچد و این دژ نامردمی را فرو میریزد. مرحله اول انقلاب پیروز میشود و بدیکتاتوری فردی شاه پایان میدهد اما انقلاب باخصیصه ضد امپریالیستی جریان دارد. تظاهرات پیگیر مردم بر علیه امپریالیستها بویژه امپریالیسم جهانخوا

گفتگو درباره حوادث خرمشهر

امپریالیسم و ارتجاع خواستار جنگ داخلی است

● نیروهای مترقی خوزستان از مدت‌ها قبل در مورد تلاشهای مذبوحانه ضد انقلاب هشدار داده بودند

● ضد انقلاب آزادخواهان، کانون‌های دمکراتیک و منافع خلق‌ها را هدف قرار داده است

حوادث خرمشهر زخم دیگری بود بر پیکر انقلاب ضد امپریالیستی خلق‌ما. خط حادثه که از مهاباد تا سنندج و ترکمن سر، نهد و تا خرمشهر کشیده شده است بیانگر آنست آنها که قدرت را در دست دارند از درک مشخص علل این حرکت ضدانقلاب و شناخت حقیقی آن و از عمل انقلابی جهت از بین بردن زمینه این حرکت عاجزند، انبوه اظهار نظرات بی‌مستولانه، مبهم، و گاه افکارا تفرقه‌افکن و انواع اقدامات به شدت تنگ‌نظرانه نشانه این ناتوانی است. اکنون بر عهده تمام نیروهای انقلابیست که با تحلیل درست وقایع و با افشای هر چه پیگیرترین چشم اسفندبار جنبش، در جهت تضعیف ضدانقلاب و مقابله با آن، بکوشند.

در این هنگام فرصتی پیش آمده که با چند تن از افراد آگاه خوزستان گفتگویی داشته باشیم این گفتگو می‌تواند روشنگر پاره‌ای از نکات مبهم حوادث اخیر باشد.

عامل اصلی حوادث اخیر خرمشهر پنظرها چیست قبلا آنها نمانده‌ای از احتمال وقوع چنین برخوردی وجود داشت؟

از مدت‌ها قبل، حدوداً بعد از انقلاب تمام نیروهای مترقی ناهد کوششهای ضد انقلابی عده‌ای بوده‌اند که تلاش می‌کردند برخوردی بین حلقه عرب و فارس منطقه بوجود آورند. دلیلی هم ندارند که این برخوردی مترقی عرب و فارس است. همانهایی که امروز مهر ضد انقلاب به آنان می‌زنند.

و پشه این تلاشها هم بر کسی پوشیده نیست، ضد انقلاب و بر لجن‌پوشی یعنی همان کسانی که از انقلاب ضد امپریالیستی بیش از همه صدمه دیده‌اند، همان طبقات و اقشاری که بدلیل ماهیت طبقاتی‌شان از انقلاب ضربه خورده‌اند و امروز خسورها در پشت ماکها پنهان کرده‌اند و در رأس قرار گرفته‌اند عامل اصلی این وقایع هستند شکل کارشان هم معلوم است چون دیگر جاها خواسته‌اند خلق‌ها را به جان هم بیالندازند، برنامه‌شان هم در خوزستان این بود که برادران عرب‌ها در مقابل برادران عرب‌ها و برادران عرب‌ها در مقابل برادران عرب‌ها قرار دهند، چیزی که وجود خارجی نداشته است، مسئله‌ای که نمی‌توانسته وجود داشته باشد. طبیعی است بعد از انقلاب، انقلابی که هدفش تأمین آزادی برای تمام طبقات خلق و تمام خلفیات، سازمانهای دمکراتیکی مثل کانون فرهنگی خلق عرب خوزستان بوجود آمد، این سازمان هدش احقاق حق خلقهای عرب بود که مثل تمام خلقهای ایران زیر چکمه‌های دیکتاتوری مصلوبی تحت ستم و بلکه تحت ستم مضاعف بوده‌اند. آیا بعد از انقلاب وجود چنین سازمانی به معنی عملی ضدانقلابی است یا کسانی که پاینگر به سازمانها مخالفت می‌کنند محسوب ضد انقلابند؟

بهر حال به محض پیدایش این نوع کانونها، ضد انقلاب شروع کرد به تبلیغات و سوءاستفاده برای ایجاد درگیری، اینها شروع کردند به مبارک ضد انقلاب چسباندن، درست مثل رژیم پهلوی که به مبارزین لقب خرابکار می‌داد. گفتنی است اعضای این کانون غالباً از رزمندگان رژیم گذشته هستند که سالها در زندان بوده‌اند.

ساواکی‌هایی که متأسفانه با تغییر چهره اینها و آنجا نفوذ کرده‌اند شروع کردند به تحریکات و کوشش برای حاد کردن مسئله خلق عرب، آنان هم در بین مردم فارس و هم بین برادران عرب دست به توطئه چینی می‌زدند، تا این مسئله بسیار معمولی را که همه نیروهای مترقی با تمام وجود می‌کوشیدند آنرا بصورت درست و برادرانه حل کنند تا سطح یک مسئله بفرنج بالا ببرند. عوض آنکه بحرف خلق عرب گوش داده شود، هر تقاضای عادی آزادیخواهانه بنام عمل ضدانقلابی خوانده شد و به این ترتیب زمینه‌های کشتار خلق عرب و هم به یکسان آماده کردند.

تبلیغات سوء

● بطور مشخص چه اقداماتی صورت می‌گرفت و از چه راه‌هایی استفاده می‌شد؟

تبلیغات و تبلیغات سوء، تبلیغ می‌کردند که هر کس مسئله خلق عرب را مطرح می‌کند ضدانقلاب است. تبلیغات می‌کردند که کانون فرهنگی مال عرب‌هاست و بر ضد فارس‌هاست حتی نمی‌گذاشتند بطور درست خواستها و هدفهای کانون شناسانده شود. مسئله اصلی اینست که مردم خوزستان مثل تمام مردم ایران خواستهایی دارند. طبیعی است در این مسیر آنها باید خواستهای خود را بگویند و با مذاکراتی که با مقامات مسئول می‌کنند بنحوی که در خور انقلاب است دست در دست برای از بین بردن آثار شوم نظام وابسته به امپریالیسم گذشته پیش بروند مثلاً مسئله زبان برای خلقهای مختلف ایران مسئله‌ایست که باید حل شود، و دیگر ناروایی‌های رژیم گذشته همچنین اینها مسائلی نبودند که با آن چنین برخورد خصمانه‌ای شود. راستی آنان که خلق عرب را بدلیل عنوان کردن این خواستها ضدانقلاب می‌خواندند، چه هدفی داشتند؟ چه کسانی بودند، آیا جای ایستایی باقی است که منظورشان چه بوده است؟ آیا برای حل این مسئله باید اجازه داد مسلحانه به آنان حمله شود؟ آنها هر روز نفقه دروغین تازه‌ای می‌ساز می‌کردند، یک روز می‌گفتند اعراب می‌خواهند به مردم فارس حمله کنند یک روز می‌گفتند برادران فارس می‌خواهند به سازمانهای دمکراتیک مردم عرب حمله کنند و قس طریقتاً نمانند که طبق یک شایعه شنیده می‌شود سلاحی که در کانون فرهنگی - نظامی که اصلاً ربطی به اعراب ندارد و کمیته از آنان پشتیبانی می‌کند پخش شد و متعاقب آن در تظاهراتی که عرب حدود یکماه پیش در پشتیبانی از آیت‌الله اشیر خاقانی و علیه امپریالیسم داشت عده‌ای از افراد ضد مردمی فرصت طلب و ضد متابع ملت ایران به

کانون فرهنگی - نظامی حمله می‌کنند و البته از طرف تمام اعراب محکوم می‌شوند، می‌بینید چگونه از دو طرف زمینه‌سازی می‌شد تا دسته‌بندی بوجود آورند؟

آغاز درگیری

● برخورد و درگیری چگونه شروع شد؟

یک روز قبل از اینکه آیت‌الله شبیر خاقانی جهت مذاکرات در مورد خواستهای خلق عرب به قم برود، می‌گوید جلسه با حضور استاندار خوزستان و فرماندار خرمشهر در محل فرمانداری تشکیل و تصمیم گرفته می‌شود که کانون فرهنگی خلق عرب و دیگر کانونها تخلیه شود در صورتیکه فقط قرار بود از حمل اسلحه در ملاه عام خودداری شود. فرماندار یک التیماتوم ۲۴ ساعته می‌دهد و این خلاف توافق قبلی بین آیت‌الله شبیر و فرماندار و استاندار بود.

همان شب هم تعدادی حدود ۱۵۰۰ نفر نیرو در خرمشهر پیاده می‌شود کانون فرهنگی خلق عرب ناچار می‌شود که به تحصن معوسل شود و در این جریان نمایندگان خود را جهت مذاکره به فرمانداری اعزام می‌کنند ولی متأسفانه فرماندار از دستوری که داده بود عدول نمی‌کند و خواستار تخلیه هر چه زودتر کانون فرهنگی و غیره می‌شود.

مذاکرات سه روز ادامه پیدا می‌کند و تحصن به حدود پنج روز می‌گردد. در همین بین خبر می‌رسد عده‌ای به گمرک حمله می‌کنند که منجر به کشته و زخمی شدن گارد گمرک می‌شود. جریان را به این ترتیب تعریف می‌کنند که کارگران ایران ترمینال حدود ۱۶۰۰ نفر از یک ماه پیش دست به اعتصاب در بندر می‌زنند. خواست‌شان این بود که دولت آنها را استخدام کند. استدلال‌شان هم این بود که چرا حق آنها را پیمانکار طراغوسی بخورد مثلاً ایران ترمینال حدود سی میلیون تومان درآمده است که ۲۲/۵ میلیون تومان را خود پیمانکاری بره و بقیه را حقوق کارگران می‌داد کارگران می‌گفتند که چرا ۲۲/۵ میلیون تومان را پیمانکار ببره؟ دولت مستقیماً آنها را استخدام کند و حقشان را بخورده‌اند بدهد. در هر صورت می‌گویند مهاجمین قصد داشتند به کارگران در ایران ترمینال حمله کنند، گارد گمرک مخالفت می‌کنند با ورود آنها. در اینجا درگیری پیش می‌آید. معلوم است که این مسئله چه دلیلی داشت و بدست چه کسانی انجام می‌شد و هدفش چه بود و از کجا آب می‌خورد.

این برنامه‌ای بود که برای حمله به خلق عرب چیده شده بود تا با ایجاد حادثه اوضاع را حاد کنند، ریشه‌های حرکت ضد انقلاب و وابستگی‌اش با منافع سرمایه‌داران وابسته بخوبی معلوم است. و آنالی که از سرکوب و فاجعه خرمشهر مثل یک اقدام قهرمانانه و ملی حرف می‌زنند؟ خوب چهره‌شان را آشکار می‌کنند. خوب است بدانید که رادیو خوزستان در چه جهتی شروع به تیره کردن آذان کرد این رادیو کاملاً به شیوه‌ای ماجراجویانه و مزورانه و واقعه گمرک را بی هیچ دلیل و سندی منتسب به کانون عرب کرد و کاملاً بدین طریق زمینه‌های کشتار آماده شد. و بعد از التیماتوم هم ناگهان یورش شروع شد.

چهره‌هاشان را پوهانده بودند و مرد و زن را به مسلسل می‌بستند آنان به خانه‌های افرادی که سالها پارویم خائن پهلوی جنگیده بودند حمله کردند و به آنان تهمت طرفداری از رژیم‌زنند، مردم خرمشهر همه این افراد را خوب می‌شناسند و می‌دانند سالها در زندانهای سیاه رژیم بودند، هتک حرمت و اهانت دست بسته بردن به فرمانداری و کشتار و کشتار... خودتان ببینید اینجامستله‌ای که می‌توانست منجر به چنین درگیری شود چه بود؟ آیا واقعه بین خلق عرب و خلق فارس تضادی بود که منجر به درگیری شد یا این ضد انقلابیون و آنان که از پشرفت انقلاب در هراسند بسا توطئه علیه خلق عرب و برای برادر کشی چنین وضعی بوجود آوردند، اینها باید بدانند که هرگز، بین خلق عرب و خلق فارس هیچ شکافی بوجود نخواهد آمد.

مردم خرمشهر خوب می‌دانند آن یک عده قریب خورده مسلح معتاد، حشیشی و تریاکی که حمله کردند به خانه اسراده آپرومند خرمشهر و آنجا را سه ساعت به مسلسل بستند، آنها بی که به خانه شیخ مسمد طاهر آل شبیر حمله کردند و چنین جنایتی بوجود آوردند چه کسانی بودند و از کجا دستور می‌گرفتند آیا اینها انقلابی‌اند که چپ و راست و با آب و تاب افراد مسئولی که ماسک به چهره زده‌اند از آنان پشتیبانی می‌کنند آیا آیت‌الله اشیر که تمام خوزستان با تمام قلب و روحشان به فضیلت و پاک‌ی او ایمان دارند، و بازگو کننده خواستهای خلق عرب هستند ضدانقلاب است؟

چرا اینهمه دستگاههای تبلیغاتی ضدانقلاب می‌کند، خوب روشن نمی‌کنند، که این ضد انقلابیون چه کسانی هستند. چه می‌گویند و این انقلابیون چماق و مسلسل در دست چه کسانی را به خاک و خون می‌کشند؟ خودتان به رادیو خوزستان گوش کنید تا بشنوید میلیون‌ها چگونه می‌خواهند بین خلق عرب و خلق فارس تفرقه بیندازند و می‌گویند در تظاهرات اعراب شرکت نکنید و اگر هم شرکت می‌کنید برای شناسایی باشد آری برای شناسایی تاسریزنگاه به اسم اجنبی و ضدانقلاب کشتار شوند.

مکی فیصلی‌ها و ...

در طی حرفهاتان شما از نیروی مرتجع در داخل اعراب حرف زدید و گفتید همانگونه که ضد انقلابیون و مرتجعین در درون خلق خوزستان اقدام می‌کنند اینها چه کسانی هستند همانطور که گفتیم در درون خلق عرب هم عناصر مرتجع، و ساواکی و مشکوک هستند، همانطور که در درون خلق فارس چنین عناصری دیده می‌شوند، اینان پیمانکاران وابسته، مرتجعین روحانی‌نما مرتجعین عشار و غیره می‌باشند و اتفاقاً حتی مقامات مسئول با کمال بی‌مسئولیتی از همین عناصر می‌خواهند بهره بگیرند. مکی فیصلی‌ها و امثالهم از جمله اینانند برنامه‌ای که اکنون پیاده می‌شود، نفاق افکنی به زحماتشان مقابل با زحماتشان و کارگزاران فارس و عرب اتفاقاً افکنی بین خلق عرب و خلق فارس، درگیری بین عشار به وسیله رهبران مرتجع عشار و مقابل نیروهای مترقی قرار دادن و تبلیغ علیه نیروهایی مترقی است تا آنجا که شرائط و اهرانی کنند

اینها کوفشی است برای ایجاد برادر کشی، آقای مدنی نه - آنها از چنین جریانی پشتیبانی می‌کنند بلکه مسئول این اعمال است. و فاتحانه از شاهکارهای خود حرف می‌زند، او طبق گفته آیت‌الله آل شبیر مسئول فاجعه خرمشهر است. چنین جریانی هم جز تضعیف روحیه مردم به چیزی نمی‌انجامد و عامل تثبیت امپریالیسم آمریک و امپریالیسم بین‌المللی در خلیج فارس است. همین تبلیغ علیه کانون فرهنگی خلق عرب که یک کانون مترقی است که با هویت فارس و عرب مبارزه می‌کند، برای وحدت خلقها و حل آثار شوم پیداه‌گری پهلوی مبارزه می‌کند و هرگز هم سازمان نظامی نبوده چه معنی می‌دهد جز تضعیف نیروهای مترقی و در عوض تقویت عناصر مرتجع؟ چنین اقدامی مستقیماً در جهت منافع امپریالیسم و صیونیسیم است و تمام خلق ایران مخالف آن است. ضمناً همین جا اشاره کنم به مصاحبه‌ای که با کسی به اسم آقای شیخ میسی طرفی در روزنامه آیندگان ۵۸/۳/۱۴ به عمل آورده‌اند. او خود را رهبر عشار بنی طرف معرفی کرده است. من خودم عضو عشار بنی طرفم و چنین شخصی را نمی‌شناسم و او رهبر بنی طرف‌ها نیست یک فرسدم معمم و بسیار مرتجع عضو شورای انقلاب آبادان است. ببینید نظریه‌های تفرقه‌افکنانه و ضد خلقی او علیه آیت‌الله شبیر که دقیقاً در جهت مخدوش کردن حقایق و بسودار لجاج است از کجا آب می‌خورد.

مقابله با کارگران

● آقای مدنی استاندار خوزستان گفته است محافظت از تأسیسات نفت جنوب را به سران عشار تفویض خواهند کرد نظر شما چیست؟

بفرمائید! اینهم نمونه‌ای از اقدامات تفرقه افکنانه، یک اقدام برای مشوب کردن افکار یک اقدام بمنظور مقابله با کارگران نفت از این آقا پیرسید چه کسی قصد انهدام تأسیسات نفتی را دارد؟ ماکه کسی را نمی‌بینیم تازه اگر تپ. ید خارجی علیه این ثروت ملی در کار باشد این وظیفه تمام خلق ایران بخصوص خلق خوزستان است که تا آخرین قطره خون از این ثروت ملی محافظت کنند از طرف دیگر چه نیروهایی در داخل در صدد انهدام تأسیسات نفتی هستند. این حرف‌های دوپهلوی جناب استاندار که ماهیست ادامه دارد و با تناقضات خود زمینه را برای آشفته کردن آذان فراهم می‌آورد. باید گفت اگر هم ارتجاع داخلی یعنی سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و حامیان آنها بخوانند صدمه‌ای به نفت بزنند، اینجا وظیفه گردانان امور نفت به عهده خود کارگران نفت که فارس و عرب با هم و در پیوندی ناگسسته هستند می‌باشد که از صنعت نفت حفاظت کنند و بیا هر گونه تفرقه مبارزه نمایند. این حرف می‌خواهد با تشویق رهبران مرتجع عشار و با قدرت دادن به آنها زمینه را برای وهابویی و سرکوب خواستهای حق طلبانه و مترقی کارگران فراهم آورد و همه چیز را وارو جلوه دهد اقداماتی که علیه کارگران ایران فریبناک، علیه کارگزاران فصلی آبادان، علیه خود کارگران نفت صورت می‌گیرد چیزی جز این رانسان نمی‌دهد.

انحلال کمیته‌ها

● بعنوان آخرین پرسش می‌خواهم سؤال کنم بنظر شما راه حل مسائلی که هم اکنون وجود دارد چیست به چه وسیله می‌توان از فاجعه‌های دیگر جلوگیری کرد؟

راه حلی که برای خوزستان وجود دارد جدا از راه حل‌هایی نیست که برای تمام ایران هست و آن هم مبارزه با ایادی امپریالیسم و ارتجاع تأمین حقوق و آزادی طبقات و خلقها می‌باشد. به طور عملی و فوری، در درجه اول باید تمام کمیته‌های کنونی معطل شود و بجای آن شوراهای و کمیته‌های خلقی متشکل از افراد صالح و مبارز تشکیل شود، افرادی که مردم می‌شناسندشان و با مهارتات خود چهره مردمی خود را اثبات کرده‌اند کمیته مرکز قدرت توده مردم باید باشد نه آلتی در دست مرتجعین که پتله‌های خلقی اگر هم مسلح باشند هرگز آنرا علیه منافع مردم و دولت ملی بکار نمی‌گیرند ولی کمیته‌هایی که در آن عناصر ناپاک، اوپاشان و سرمایه‌داران نفوذ دارند همیشه آماده‌اند درگیری ایجاد کنند. شما خودتان به اقدامات کمیته‌آبادان و آنانی که در رأس آن بودند و به درگیری‌های آنان یا کارگران فصلی و غیره توجه کنید می‌فهمید چه می‌گویم. طبیعی است که دولت باید از کمیته‌های خلقی دفاع کند. نه وهای ملی و انقلابی چون آیت‌الله طالقانی بارها این را گفته‌اند. اگر چنین شود و اگر بطور درست به خواستهای خلقها رسیدگی شود هرگز جایی برای ضدانقلاب باز نخواهد ماند اما اگر برعکس با سرکوب و افترا و حمله و ایجاد فاجعه بی‌خواهند پشروند خودتان می‌دانید کاریکجا کشیده می‌شود و در اینجا تمام مسئولیت به عهده مقامات رسمی است که با سکوت و تأیید ضمن امکان عمل از لجاج را فراهم کرده‌اید.



کارگری

یادداشت

آندفمه کارگر که جانش به لبش می رسد، زندگی اش را ندیده می گرفت و می رفت پیش رئیس، مدیرعامل، یا کارفرما و بازبانی که کارفرما لایقش بود، حقش را طلب می کرد، غالباً هم نتیجه یکی بود، یا اخراج، یا تنبیه یا ژاندارمری یا تحویل ساواک. آندفمه کارگران خوب فهمیده بودند که پلیس و ژاندارم و ساواکی و... سگ های دولت خونخوار رونوکر صفت شاه و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم هستند. آندفمه حسیب نبود که اگر کارفرما به ژاندارم میگفت برو دستمال بهار آقای ژاندارم می رفت سرکارگر «اخلاگر» را می آورد.

ایندفعه اما بظاهر وضع تغییر کرده است. مردم انقلاب کرده اند و قاعدتاً باید همه چیز از منافع مردم دفاع کنند نه از منافع کارفرمایان اسامو صوغ گویا برعکس است. کارگری به اسم مجید پورفلاح کارگر کارخانه سازمایه (آجر جلا) به عدم بهداشت کافی در محیط کارخانه و آنتخابی نمودن نماینده کارگران اعتراض می کند. کارفرما که خوب تشخیص داده است قدرت دست چه کسانی است به کمیته شاهین دفت شکایت میکند. کمیته وظیفه شناس کارگر «اخلاگر» را دستگیر می کند، به زندان قصر بند ۶ همان زندانی که قبلاً مخالفین شاه را در آنجا به بند می کشیدند می فرستد. کارگر مبارز، دست به اعتصاب غذای ترو خشک می زند و اوضاع بالا می گیرد به روزنامه ها کشیده می شود. کارفرما هر ششم خرداد نامه ای به این مضمون به شاهین دفت می نویسد:

«در تاریخ ۱۳۵۸/۲/۹ در پی سوء تفاهم کوچکی که پیش آمده بود از آقای مجید پورفلاح شکایتی تسلیم این کمیته گردید که نامبرده توسط مأمورین کمیته شاهین دفت به محل کمیته انتقال یافت بعد از آن این کارخانه هیچگونه اطلاعی از سرنوشت آقای پورفلاح نداشته تا اینکه در تاریخ ۵۸/۳/۶ برادر ایشان به این کارخانه مراجعه و اظهار میدارند که آقای مجید پورفلاح تاکنون در زندان قصر بسر میبرد. بدینوسیله با اطلاع عالی میسراند که این کارخانه هیچگونه شکایتی از نامبرده ندارد و کلیه کارگران و مدیر کارخانه خواستار آزادی ایشان هستند.»

کارگری که این خبر را شنیده بود میگفت: دست سریزاد انصافاً که «مستضعفین» و «پسایرته» ها از بند «مستکبرین» و نظام «طاغوتی» رها شده اند.

هر کس که یک ذره به فکر مردم باشد یک ذره فکر کند که یک ذره از اهداف انقلاب رهایی از بند ستم سرمایه داران خونخوار و سودجو بوده است و پس از این قاعدتاً باید گذشته پشاک سپرده شود، نمی تواند از خشم و کینه نسبت به این نوع کارهای آشکارا ضد کارگری نلرزد.

مادر زیر چادر هازندگی میکنیم

در هفته گذشته کارگران شرکت مخابرات پیامکاری برای رسیدگی به وضعیت خود به وزارت کار مراجعه کردند. ما برای آنکه بطور خلاصه خوانندگان مان را در جریان شرایط کار این کارگران بگذاریم، عمده ترین بخش های گزارش کمیته کارگری را در مورد این شرکت در زیر می آوریم:

شرکت مخابرات پیامکاری به کار کابل گذاری و لوله کشی در خیابانهای اصلی و فرعی شهر و مناطق اطراف تهران مشغول می باشد.

۵۲ درصد سهام این شرکت متعلق به شرکت کنسینتال ۱۸ درصد متعلق به شرکت «آی کاس» و ۳۰ درصد متعلق به شرکت «فورترس» است سهام شرکت های کنسینتال و آی کاس متعلق به سرمایه داران آمریکایی و سهام شرکت «فورترس» متعلق به سرمایه دار وابسته ایرانی بنام «بهمن باقمانقلیق» می باشد. باقمانقلیقها از نزدیکان دربار شاه منظور بوده اند.

عده ای از کارکنان این شرکت از کشورهای قبلیین - تایلند - کره - هندوستان آمده اند که اکثراً به عنوان کارگر فنی و کارمند جزء مشغول بکار می باشند و حقوقشان حدود ۱۰ هزار تومان یا بیشتر می باشد عده ای از کارمندان هم آمریکایی هستند که بیشتر از ۸۰ هزار تومان در ماه از شرکت دریافت می کنند. مثلاً آقای «یانگ» آمریکایی سرپرست گروه لوله کشی و کابل کشی ۸۰ هزار تومان در ماه می گیرد.

وضع کارگران ایرانی شرکت
این شرکت قبل از آغاز قیام بین ۶ تا ۷ هزار کارگر داشت اما بعد از قیام عده زیادی از کارگران به عنوان مختلف اخراج شده اند و فقط ۱۵۰۰ کارگری باقی مانده است. در تاریخ ۵۸/۳/۲ نیز عده زیادی از کارگران اخراج شدند.

در هفته گذشته کارگران بین ۲ تا ۳ سال است. ساعات کار کارگران مشخص نیست و دچار بی نظمی و هرج و مرج می باشد. سطح حقوق پائین بوده و کارگران فاقد مسکن هستند. از لحاظ امکانات رفاهی هم هیچ نوع امکاناتی ندارند. یکی از کارگران می گفت: «ما کارمان ۱۲ ساعت هست یعنی ۶ بعد از ظهر باید کار کنیم تا ۶ صبح ولی بعضی اوقات تا ۱۲ ظهر یعنی ۱۸ ساعت کاری کنیم. با این وجود هیچ نوع اضافه کاری بما تعلق نمیگیرد ساعتی ۷۵ تا ۸۰ ریال بیشتر مزد نمی گیریم. ما قاعدتاً بایستی بعد از ۲۰ روز کار مزد یک ماهمان را بگیریم ولی کارفرما ۲۴ تا ۲۵ روز از ما کار می کشد و تازه مزد روز جمعه و تعطیل رسمی را هم بما نمی پردازد.»

کارگران این شرکت اکثراً فصلی هستند تا مدتی حتی بیمه نبودند و مدت کوتاهی است که توانسته اند دفترچه بیمه دریافت کنند. سابقه کار هیچیک از کارگران زیاد نیست.

وضع مسکن و امکانات رفاهی
کارگران اکثراً چادر نشین اند و از نظر غذا، پوشاک، کفش کار و... با وجودیکه مطابق قرارداد شرکت موظف است این امکانات را در اختیارشان قرار بدهد در مضیق هستند.

یکی از کارگران می گفت: «قرار بود بما چادر بدهند. رقتیم درخواست چادر کردیم گفتند پول می دهیم تا خانه کرایه کنید ولی هیچکدام را نداده اند در موقع کار در بیابان ها و کوچه و خیابان... در زیر چادر کپنه چند نفری در بدترین شرایط زندگی می کنیم. غذای خوب داریم نه پوشاک و کفش و مسکن و وسایل رفاهی، در صورتی که در پرونده قید شده این وسایل را بما بدهند. مسئولین پولهای این وسایل را به جیب می زنند.»

پشم شیشه و نیز کارگران ساده، دعوت کرده است تا برای تهیه برنامه سندیکایی و انتخاب هیئت مؤسس، ۲ بعد از ظهر جمعه ۵۸/۳/۱۸ در خانه کارگر جمع شوند.

کارگران چاپخانه نیز برای انتخاب هیئت مدیره سندیکا، فردا (پنجشنبه) ۳ بعد از ظهر در خانه کارگر اجتماع خواهند کرد.

امپریالیسم چیست

(۲)

اما از آنجائیکه رشد کشورهای ضعیف به ضرر منافع سرمایه داران آمریکایی، انگلیسی آلمانی، فرانسوی و دیگر تمام می شود و با ایجاد رقابت سود آنها را کاهش می دهد به مناسبت کشورهای غارتگر برای ادامه چپاول و غارت خود از منافع و جلوگیری کردن از رشد کشورهای ضعیف تر از سوی دیگر می کنند تکیه گاهی داخلی پیدا کنند.

سرمایه داران داخلی و دولتهای وابسته بهترین تکیه سرمایه داران غارتگر و خارجی هستند. ما این نوع کشورهای غارت کننده را «امپریالیستها» می نامیم و کشورهای غارت کننده کشورهای وابسته. بنابراین خلاصه مطالب گفته شده به شرح زیر است.

● امپریالیسم عبارت است از جریان نفوذ سرمایه امارت سرمایه داران بین المللی بدون کشورهای ضعیف تر، برای استعمار نیروی کار و غارت ثروت های ملی آنها و همچنین برای منبر کردن و راکد گذاشتن و تضعیف کردن وسائل تولید و نیروی تولید کننده این کشورها.

● امپریالیست ها، با جلوگیری از تجمع سرمایه کشورهای تحت ستم و غارت، نیروهای تولیدی آن کشورها را از رشد و باز می دارد و خود سودهای کلانی از استثمار زحمتکش آن کشور می برد همچنین منابع ملی و ثروت های طبیعی کشورهای تحت ستم خود را به غارت می برد. حال می توان امپریالیسم را به اجزای زیر تقسیم کرد. اجزائی که با هم پیوند ناگسستی دارند.

۱- سرمایه داران بین المللی که آنقدر ثروت در دست جمع شده است که مجبورند آنرا در کشورهای دیگر بکار ببندند مثل سرمایه داران شرکت های آبی تی-فوردر کروب-جنرال موتورز و...
۲- سرمایه داران دلال-حاکم بر کشورهای ضعیف تر که حاکم شده اند برای بدست آوردن سود بیشتر به دیگر افراد کشور خود بخوان کرده و دلال سرمایه داران بین المللی باشند مثل، حاج آخوان رفائی ها، لاجوردی ها، خسروهای ها، خیامی ها، برخوردارها، ابروانی ها، اردها و...
۳- دولتهای کشورهای پیشرفته که برای حمایت سرمایه داران بین المللی حاضر به گشتار زحمتکش کشورهای ضعیف تر هستند مثل دولت آمریکا، فرانسه، انگلیس و غیره
۴- دولتهای کشورهای وابسته که نقش نوکروسنگ زنجیر سرمایه داران دلال داخلی سرمایه داران بین المللی را بازی کرده اند برای این کار از برنامه های دولتهای قوی اطاعت می کنند مثل رژیم سلطنتی سابق ایران، فلیلی، عربستان، نیکاراگوئه.

● می توان برای امپریالیسم چند مشخصه را بر شمرد:

۱- امپریالیسم دشمن کارگران جهان است چه در کشورهای سرمایه داری و چه در کشورهای وابسته
۲- در دوران تسلط امپریالیسم استقلال اقتصادی و سیاسی مسکن نیست وجود داشته باشد.
۳- امپریالیسم برخلاف روش استعمار کهنه، از روشهای جدید استفاده می کند تا ماهیت خود را پنهان سازد مثلاً از دولتهای داخلی بهترین استفاده را می برد.
باید اضافه کرد امپریالیستها برای غارت بیشتر با هم رقابت می پردازند و مسکن است این رقابت باعث ایجاد جنگی که توده های وسیع کارگران و زحمتکشان قربانی منافع آنها گردند مثل جنگ جهانی اول و دوم و به این ترتیب است که هر چند وقت یکبار گروهی از سرمایه داران بین المللی در یک کشور حاکم اصلی هستند و گروه های دیگر نقش درجه دوم دارند مثل کشور ایران که مدتی زیر نفوذ انگلستان بوده و بعداً تحت نفوذ آمریکا قرار گرفتند رقابت سرمایه داران بین المللی باعث رقابت دلالان وابسته آنها می شود و عجیب است که این سرمایه داران دلال برای تحکیم موقعیت خود گهگاهی بظاهر از مردم طرفداری می کنند. خلاصه کنیم:

امپریالیسم صورت خود را پشت شمارهای دروغین دولت مستقل ملی، ارتش ملی، قانون اساسی و خیلی چیزهای دیگر پنهان می کند و در حالیکه شمار می دهد من حامی کارگران و زحمتکشان هستیم چماق سرکوب غریب را برای کوبیدن بر سر زحمتکشان آماده نگاه داشته است و تا وقتی همه زحمتکشان و پیشاپیش آنها کارگران متحد و یکپارچه نشوند، حکومت را در دست بگیرند و دموکراسی خلقی برقرار سازند هیچ چیز در کشورهای سرمایه داری و وابسته نظیر کشورمانه ملی است، نه مستقل و نه به نفع زحمتکشان.

کارگران شرکت ساختمانی باستان : کارفرما میگوید به هر مقامی که میخواستید شکایت کنید

کارگران شرکت ساختمانی باستان که ۵ ماه است بیکار و اخراج شده اند و محل فعالیتشان زاهدان است طی نامه ای به وزیر کار مشکلات خود را در میان گذاشتند در این نامه آمده است: «امضاء کنندگان زیر، کارگران، معماران شرکت ساختمانی باستان واقع در خیابان فردوسی - کوچه جهانگیری، چون حقمان از طرف آقای دکتر هنجاری ضایع شده است به آن وزیر محترم شکایت کرده و بدینوسیله احقاق حق می نمائیم.

در این شرکت در تمام جمعه ها ما کاری کردیم ولی اضافه کار روز جمعه را بما پرداخت نمی کردند. بجای ۸ ساعت کار قانونی از ۱۰ ساعت کار می کشیدند و بجای آن همان ۸ ساعت حقوق را بما پرداخت می کردند هر وقت هم در صدد اعتراض بر می آمدیم بما می گفتند که اخراجتان خواهیم کرد. هیچگونه حقیقه و مزایا که طبق ماده ۴۳ قانون کار بما کارگران تعلق می گرفته است نمی دادند.

نزدیک به ۵ ماه است که آقای دکتر هنجاری دستور اخراج ما را داده اند وقتی نزد آقای دکتر هنجاری رفتیم دیدیم که به همه کارگران حق بیکاری طبق دستور امام خمینی باید داده شود ولی بما که از ۵ ماه قبل ما را اخراج کرده بود دیناری نداد و گفت بروید به مقامی که می خواهید شکایت کنید. مگر ما با کارگران دیگر فرق داریم که حق بیکاری این مدت را به آنها پرداخت کرده اند، حقوق و مزایا و حقیقه آنان را داده اند ولی دیناری بما که چندین سرعایل هر کدام داریم حقمان را پرداخت نکرده اند. ثانیاً تریبی داده شود که ما دوباره سرکار و زندگیمان بر گردیم و بیش از این شرمند زبون و بیچاره باشیم و از آوارگی نجات پیدا کنیم.

پای این نامه را کارگران شرکت ساختمانی باستان امضاء کرده اند.

دعوت برای تشکیل سندیکا

● کارگران صنف بنا
● کارگران چاپخانه
● هیئت مؤسس صنف بنا، طی انتشار اطلاعیه ای از کلیه کارگران صنف بنا، سیمانکار، کاشی کار، گچ کار، سفت کار، نماکار، عایقکار (حرارتی، قیرگونی کار،

تسلیمت به دوست کارگر

آقای بختیار عبدالمهی
صمیمانه ترین تسلیمت های ما را بپذیرید. امیدواریم با نیروی پیش از پیش و با شرکت پایدارانه در راه مبارزات کارگری، بزرگی غم از دست دادن مادرتان جبران شود. سندیکای پروژه ای کارگران آبادان

آقای بختیار عبدالمهی
با کمال تأسف در گذشت مادر آن دوست کارگرمان و تسلیمت عرض نموده و خود را در غم شما و خانواده تان شریک می دانیم و امید است آخرین غم تان باشد.

از طرف اتحادیه کارگران بیکار تبریز

این مصیبت را به آقای بختیار عبدالمهی تسلیم می گوئیم و امیدواریم همچنان در راه آرمانهای کارگری مبارز تر از پیش پیروز مند بمانند.

یک میلیون و دویست هزار ریال
۴- مدیران و دارندگان
امضاء: آقایان دکتر حسن سلیمان
بسمت عضو هیئت مدیره و مدیر عامل
وحسن رضائی راد بسمت عضو
رئیس هیئت مدیره و همچنین
علی اکبر آقاخانی و عباس کردابادی
و دکتر بهرام مستوفیان و همچنین
بیژن اصفهانی بسمت سایر اعضا
هیئت مدیره بسمت نامبرده
انتخاب و حق امضاء با مدیر عامل
و یار رئیس هیئت مدیره با توافق یکی
از اعضاء هیئت مدیره متفق و با
مهر شرکت خواهد بود.
۵- آقای داود سلیمانی بسمت
بازرس شرکت انتخاب شدند.
مدیر کل ثبت شرکتها و
مالکیت صنعتی - پستی مدنی
۴۰۰۳ م الف

آگهی تأسیس
فرکت تولیدی مرغیان با مسئولیت
محدود در تاریخ ۵۸/۲/۱۷
تحت شماره ۳۳۵۶۴ در این اداره
به ثبت رسیده و خلاصه شرکتنامه
آن بشرح زیر آگهی میشود:
۱- موضوع شرکت:
تجه و تولید انواع مرغ، انجام
کلیه امور مربوط بصنایع مرغداری،
واردات مواد اولیه و وسائل و
لوازم و ماشین آلات مورد نیاز
کارخانه فرکت و انجام کلیه
معاملات و عملیات مجاز و مربوطه
۲- مرکز اصلی شرکت:
تهران خیابان ابو ریحان طاق
بستان خیابان پیروز میدان فرح
بخش ساختمان ۱۱۰ طبقه
چهارم آپارتمان شماره ۸
۳- سرمایه فرکت: مبلغ

بالیسم با چهار لکری مادی و بی‌شرمی های اخلاقی یافته شده است ولی، در مورد خاص ایران، چرا آمریکا به این امکان زودرسی رسید. که در سطح جهانی ادعا نماید که «هرگز» در مورد ایران دخالت نداشته و «هیچگونه» مداخله برای مداخله وجود ندارد؟ خود وزارت امور خارجه ای آمریکا جواب می‌دهد: اگر ما در امور ایران دخالتی داشتیم، وزارت امور خارجه ای ایران مدرک آن را فاش می‌کرد. در زبان توده‌ها ضرب‌المثلی است که در این رابطه مصداق کامل دارد: به بدکار که رویده، طلبکار میشود. از همان فردای قیام استبدادشکن، گروه های سیاسی رادیکال و تنها حزب چپ، با پیگیری هرچه بیشتر خواستار آن بوده‌اند که دولت موقت قاطعانه انقادی همه قرارداد های منعقد با امپریالیسم را رسماً اعلام دارد و مفاد علنی و سری آنها را نه فقط در سطح کشور که در مقامات جهانی منتشر سازد. این توقع شاید هم ساده‌گرایانه از نخستین وزیر امور خارجه دولت موقت انتظار می‌رفت، که البته با توجه به موضع سیاسی و طبقاتی ایشان، منطقی نمی‌نوانست باشد. و اما وزیر امور خارجه کنونی در چنان خطی حرکت می‌کند که امپریالیسم نه فقط احساس تشویش نمی‌نماید بلکه خود را در موقعیت تهاجمی می‌بیند و بر اساس همین اعتقاد است که وزارت امور خارجه ای امپریالیسم صراحتاً اعلام می‌کند که هر آنچه رهبر انقلاب ایران در مورد غارتگری و مداخله جویی و اعمال ضد بشری آمریکا گفته است نادرست است، چه اگر طبق استدلال مایروس و نوس- این اتهامات منکر به مدارک باشد، سکوت و عدم انقادی آن از طرف وزارت امور خارجه ای ایران حیرت‌انگیز تواند بود. البته باید به امپریالیسم حق داد که اصرار دولت ایران را در عدم انقادی اسناد جنایات چندده ساله ای آمریکا مایه عجب بداند. و این نیز برای ملت ما نمی‌تواند خشم آور و تردید آفرین نباشد. چرا زودید تکبیر و قتی می‌بینیم که هرالد تریبون از قول جرج بال، میاستمدار کارکنتهی آمریکا، مینویسد: «در حال آینده ای ایران هنوز روشن نیست» و آمریکا در لحظه کنونی نمی‌تواند در تعیین سمت گیری سیاسی این کشور نقش مؤثری داشته باشد. سیاستی که ما باید در پیش گیریم آن است که صبور و مراقب باشیم و در انتظار رسیدن لحظه ای مناسب بمانیم تا بتوانیم به نحو مؤثری نفوذ خود را اعمال کنیم. (پیغام امروز مورخ ۵۸۳۱۳). و چرا خشمگین نباشیم وقتی سفیر جمهوری آلمان غربی (همان کشوری که در گرماگرم کشتار رزمندگان انقلابی ایران سلاح های به اصطلاح «ضد شورشی» برای شاه مردم کش به رایگان می‌فرستاد) در جواب خبرنگار روزنامه اطلاعات (مورخ ۵۸۳۱۲) ، در رابطه با قرارداد های فارتگرانه و استعماری ایران - آلمان می‌گوید: «مؤسسه های فعال در آلمان قدرال آماده‌اند به خاطر منافع و امتیازات متقابل (!!) معامله و تجارت کنند. وقتی می‌گویم به خاطر امتیازات متقابل، منظورم این است که کلیه تعهدات گذشته در هر دو جهت کاملاً رعایت شود». امپریالیسم یک سیستم جهانی است، و هنگامی که فرمانده این سیستم (آمریکا) در حالت تعرضی قرار گیرد، شریک و معاوض نیز خود را در موضعی می‌بیند که علناً فرمان دهد که ایران باید کلیه «تعهدات» رژیم منکوب را در قبال آلمان «کاملاً» رعایت کند. آمریکا در این زمینه امینوار است که «بر اثر عدم قابلیت رژیم (منظور هیئت حاکمه ای انقلاب است) در اداره اقتصادی کشور و انحصار طلبی سیاسی رهبران کنونی انقلاب» نیروهای مختلفی

مزایه اموال منقول - بموجب پرونده احرائی کلاس - ۴۵۷۹ آقای امین اله آرمان بشناسنامه شماره ۴ صادره از تهران مبلغ چهارصد هزار ریال بابت اصل به آقای عزیزاله نظریان و مبلغ بیست هزار ریال نیمعشر بر بولت بد هکار میباشد که اموالی متعلق به نامبرده در زیر مزایده گذارده میشود (۱- تعداد ۲۰ دستگاه موتور مخصوص برف و گل تک زنجیره بالا ستیکهای عاج دنده ای هر کدام مبلغ هشت هزار ریال جمع ۲۰ دستگاه ۱۶۰۰۰۰ - ۲- تعداد ۲ دستگاه موتور سیکلت برف و گل بدون موتور هر دستگاه مبلغ پنج هزار ریال جمع سه دود دستگاه ده هزار - ۳- تعداد سه دستگاه موتور سیکلت با جعبه دنده زنجیره فی هرد دستگاه مبلغ دوازده هزار ریال جمع سه دستگاه مبلغ سی و شش هزار ریال - ۴- تعداد دو دستگاه موتور سیکلت دوزنجیره بدون تویی زنجیر فی هر یک دستگاه هزار ریال جمع دود دستگاه مبلغ شانزده هزار ریال - ۵- تعداد یک دستگاه مبلغ ده هزار ریال جمع شش دستگاه شصت هزار ریال جمع ۵ قلم اموال بالا کلا مبلغ دو بیست و هشتاد هزار ریال بحامارک موتورهای دوزنجیره TRI BREAKER و رهای تک زنجیره RECOVERAL میباشد در قبال ش از طلب طلبکاران حقوق دولتی بازداشت و ارزیابی بده و در روز چهارشنبه مورخ ۵۸/۳/۳۰ از ساعت ۱۰ صبح ۱۲ ظهر در خیابان فرونی روبروی درب شمالی سازمان پشت بانک رهنی ایران از طریق مزایده فروخته میشود بده مبلغ ۲۸۲۰۰۰ ریال شروع و بالا ترین قیمت که خریدار شفته باشد فروخته خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی نوبت ۵۸/۳/۳۰ تاریخ انتشار دوم ۵۸/۳/۳۱ شماره ۱۷ - ۲۸۱۰ - ۲۵۰۵ م الف س. ا. ب. ج. ک. اجرای ثبت تهران. زهتابچی

که بر اثر اتحادشان «شاه را سرنگون کردند» در «مقابل یکدیگر» قرار گیرند و در نتیجه شرایطی بوجود آید که «مردی مانند رضاشاه بتواند نقش مؤثری ایفاء کند». (از توصیه جرج بال منتشره در روزنامه ای امریکائی هرالد تریبون - ترجمه پیغام امروز مورخ ۵۸۳۱۳). جرج بال، البته متأسف است که «چنین رهبر نظامی بر صحنه ظاهر نشده است» و شاید برای رفع این ناامیدی است که این روزها در منطقه نفوذ «ارتش اسلامی»، دستور سرکوبی هر نوع جنبش ضد ضوابط «ارتش شاهنشاهی» صادر می‌شود و وزیر «ارشاد ملی» بحث درباره ارتش را حواله دادگاه نظامی و زندان می‌کند. دورنمای خط مشی هیئت حاکمه ای فعلی آن چنان برای امپریالیسم جهانی امیدبخش است که حتی معین نایب آلمانی این باند قاطعاً طریق هم «آراز ابو عطا» می‌خواند. این هم نوازی را در اطلاعات ۵۸۳۱۲ خوب می‌توان درک کرد:

مشوال خبرنگار: با توجه به لغو (!!) قرارداد های تسلیحاتی ایران و آلمان (ملت ایران هنوز از این «لغو» اطلاع رسمی ندارد) آیا فکر می‌کنید لطمه ای به صنایع آلمان وارد شود؟ جواب سفیر جمهوری آلمان فدرال: در، زبان آلمانی ضرب المثلی است که نقل آن در اینجا بی‌مناسبت نیست. این ضرب المثل می‌گوید: باید صبر کرد و چای نوشید. ما هم بر همین منوال رفتار می‌کنیم و تشخیص می‌دهیم که هر دو کار سودمند است زیرا فرصت تفکر می‌دهد. (اطلاعات ۵۸۳۱۲). چه کسی در این سالون «چای خوری» نقش گارسون را بازی می‌کند، جز هیئت حاکمه ای فعلی؟ چه سیاستی به این «سرکار نایب» امپریالیسم جهانی امید میدهد که در «انتظار» بازگشت «سود» گذشته صبور بماند، جز خط مشی سیاست خارجی ما؟ این «سرکار نایب»، با خنده ای بربل، منتظر است تا «ایران زمان را برای انجام تبادل نظر و مشورت با آلمان‌ها مساعد بداند». و ارباب ما بانه تذکر می‌دهد که «مانیز آمادگی آن را داریم»، (اطلاعات مورخ ۵۸۳۱۲). امپریالیسم، برخلاف تبلیغ آقای دکتر ابراهیم یزدی، یک کل واحد جهانی است. وقتی شاخه ای امریکائی اعلام می‌کند که «آمریکا هرگز و در هیچ مورد در امور ایران مداخله نکرده است، شاخه آلمانی نیز از قول نماینده «بازرگانی» خود ادعا می‌کند که «اصولاً این سنت است که ما (دولت آلمان) در امور سیاسی دخالتی نداریم». و این شاخه ای آلمانی، در حالی که زشت ترین و رکیک ترین تصویر رهبران انقلابی را در پشت مجله های مزدور انحصار هانقتش می‌کند، مدعی میشود که «ما وظیفه داریم که هدف های اقتصادی جمهوری اسلامی را در آلمان منتشر نمائیم». (اطلاعات مورخ ۵۸۳۱۲).

سخن کوتاه. خط مشی سیاست خارجی هیئت حاکمه ای ایران دست کم - تردید آمیز است. قرارداد دو جانبه ایران و آمریکا که به امپریالیسم اجازه می‌دهد بدون مانع و بدخواه خود به ایران نیرو بفرستد پابرجا مانده است! بنابر ادعای وزیر امور خارجه ای ایران، هزار قرارداد از این نوع داریم که گویا سرگرم آنند تا «خوب» ها را از «بد» هایش جدا کنند؟! جان کلی، محقق امریکائی، از دهها نقشه ای اسم می‌برد که آمریکا برای اعاده نوعی از رژیم وابسته در دستور روز گذارده است (به اطلاعات ۱۲ و ۱۳ خرداد ۵۸ مراجعه شود)، و در عین حال گوردون یری، دبیر دوم سفارت انگلیس، هنوز با آمریکا مدعی می‌شود که انگلستان نه در گذشته در امور داخلی ایران دخالت داشته و نه هرگز با انقلاب توده های ایران مخالفتی نموده است (آیندگان ۵۸۳۱۴). گوستی آوازه خوانان دوره گرد امریکائی خیال خواب کردن مردم را دارند. درست است که هیئت حاکمه ایران خائفانه از این آهنگ تشکر می‌کند و از «مصالح مشترک» امپریالیسم و ملت‌ها سخن می‌راند ولی جای خوشوقتی است که رزمندگان انقلابی ما هشیارند و علی‌رغم مشی سازشکارانه وزارت امور خارجه، چهار چشم مراقب همه ی حرکات این هیولای هزار چهره هستند. نغرت بر آنان که در گفتار «انقلابی» می‌نمایند ولی در عمل سربه سوی امپریالیسم دارند.

محبوبیان

آگهی مناقصه

سازمان آب منطقه ای فارس تعداد یکصد و بیست قلم لوله و اتصالات مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی با شرایط زیر خریداری مینماید.

- ۱- پیشنهاد دهندگان بایستی صورت لوله و اتصالات مذکور را از دفتر سازمان واقع در اول خیابان باغ‌ارم دریافت و پیشنهادات خود را بضمیمه صورت امضاء شده لوله‌ها و اتصالات منتهی تا آخر وقت اداری روز دوشنبه چهارم تیرماه ۵۸ بدفتر سازمان تسلیم و رسید دریافت دارند.
- ۲- پیشنهاد دهندگان مکلفند پنج درصد از بهای کل پیشنهادی خود را نقدا به عنوان سپرده بحساب جاری شماره ۲۷۰۲۸ این سازمان نزد بانک ملی شیراز تودیع و رسید آنرا پیوست پیشنهاد خود نمایند.
- ۳- پیشنهادات واصله در ساعت ۱۰ روز ۴۵۸۴۰ حضور کمیسیون متشکله باز و قرائت خواهد شد و سازمان در رد کلیه و یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار خواهد بود.
- ۴- به پیشنهادات مبهم و مشروط یا فاقد سپرده و به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل شود ترتیباً اثر داده نخواهد شد.
- ۵- مدت تحویل کالا حداکثر ۱۵ روز پس از ابلاغ کتبی سازمان به برنده مناقصه خواهد بود و کالای مذکور یکجا یا حضور کمیسیون مربوطه و در محل فروش تحویل گرفته میشود و برنده مناقصه موظف است در صورت عدم تحویل برای هر روز تاخیر مبلغ ده هزار ریال به عنوان خسارت بلاعوض بسازمان پرداخت نماید.

کودتا و ضد کودتا

بقیه از صفحه ۱

رخنه ای که از انقلاب، در ارکان روابط اجتماعی افتاده است، جای آنکه به ایجاد رابطه جدید و درخور اعتمادی منجر شود، دارد به تضعیف هر چه بیشتر رابطه های اجتماعی می‌انجامد. و نهاد های انقلابی ما دچار تحلیل و انحصارگرایی میشود.

کمیته‌ها، و پاسداران، وقتی می‌توانند عامل مؤثری در دفاع از انقلاب باشند که ریشه آنها در جامعه استوار گردد. در حالی که حرکت کنونی، در جهت است که اسلحه، در دست مردم نیست. و هر روز بیشتر در دست نیروهای تمرکزی می‌یابد، که در جهت انحصارگرایی قدرت پیش می‌تازند. و ضد انقلاب تنها از درون ارتش نیست که می‌تواند به انقلاب هجوم بیاورد، از درون همین کمیته‌ها و همین سازمان‌بندیهای نظامی نامریی و نیمه نامریی نیز امکان شکفتن دارد.

اگر اعتقاد به انقلاب، دارای ریشه ای است، می‌توان، در کار کمیته‌ها، به یاری وزارت کشور، تجدیدنظر کرد، و کمیته‌ها را، طوری تجدید سازمان بخشید که بتوانند ناظران و مجریان مردمی انقلاب باشند، و سلاحها را نیز زیر کلید این کمیته‌های گسترده منتخب مردم و در ارتباط مداوم با مردم قرارداد.

آن سلاح توزیع شده بین مردم، و آن کمیته‌ها و پاسداران انقلاب، گونه‌ی جدا از وضع کنونی دارند که دارد به تدریج هیات انحصار طلبی به خود می‌گیرد.

اگر قدرت به دست ارتش و شهربانی بیفتد، پایان کار انقلاب، با شرایطی که برایش فراهم آورده‌اند، فرق فاحشی با نیتان قدرت به دست ارتش و شهربانی ندارد. مهم اینست که عامل ضد کودتا، مردمند، و پیوستگی اجتماعی آنها در دفاع از آزادی، و مشارکت مؤثر آنها در این دفاع.

هرجا که مردم فراموش شدند، و از مردم، به عنوان طعمه و ابزار کار بهره‌برداری شد و مردم ندانستند، آنها را به کجا می‌کشاند، و مردم به داشتن قیم و وکیل و سرپرست، محکوم شدند، انقلاب، دوران سقوط و افول خود را آغاز خواهد کرد.

معاون وزارت کشور درباره اصل موضوع، به شکل کلاسیک اشتباه نکرده است، ولی درباره نحوه عمل و وضعی که در بر ابراست، سخت دچار اشتباه است. کودتا را، فقط ارتش نمی‌کند، هر قدرت نظامی مشابه ارتش می‌تواند کودتا کند.

گزارش واقعه حمله

بقیه از صفحه ۴

سه روز در آبادان بدون آنکه اتهامی بر آنان متوجه باشد و قرار قانونی مبنی بر بازداشت صادر شود از نظر هیئت اعزامی عملی محکوم است و در این خصوص مسئولیت قانونی دادستان و بازپرس انقلاب آبادان بسیار سنگین و انکارناپذیر است. اعزام آنان بتهران و زندان قصر بی هیچ دلیل و منطقی و قانونی صورت می‌گیرد. حمل اسلحه بدون مجوز را اتهامی برای دستگیرشدگان فرض کردن استدلالی بی پایه است چرا که چند صد هزار اسلحه پس از قیام بهمن ماه در اختیار افراد و گروههای مختلف قرار گرفته است و تاکنون نیز دستور متحدالمالی از جانب دولت برای خلع سلاح صادر نگردیده است، ضمن آنکه سازمان چریکهای فدائی از جمله پیشگامان مبارزه مسلحانه در دوره رژیم سابق است متنوع - الملاقات کردن بازداشت شدگان (۸) و در اختیار آنها نگذاشتن روزنامه، کتاب و رادیو عملی برخلاف موازین قانونی است (۹).

محرکین واقعه حمله بستاد و کسانیکه با چوب و چماق و زنجیر بجان دستگیرشدگان افتاده‌اند و همچنین عواملی از کمیته که در زندان کمیته آبادان آنان را مورد اهانت و ضربت و شتم قرار داده‌اند باید مورد تعقیب قانونی قرار گیرند. دولت باید در قبال وقایعی از این قبیل بسکوت خود خاتمه دهد و مسئولیت انقلابی آن حکم میکند که در جهت آزادی بیان، و عقیده و فعالیت احزاب و گروههای سیاسی تضمینات کافی داده و از آن حراست کند. نسخه ای از این گزارش به هیئت دولت و مراجع مسئول تقدیم میشود. باشد که این گزارش روشنگر مسائلی باشد که از وقایع مشابه جلوگیری کند.

جهانگیر مستوفی - محمد ستایش - داریوش حافظی - پور (۸) تا تاریخ تهیه این گزارش قرار قانونی مبنی بر نوع اتهام و بازداشت آنان صادر نگردیده است.

(۹) یکی از بازداشت شدگان منصور خاکساز شاعر و نویسنده است که سردبیر مجله ادبی «هنر و ادبیات جنوب» در سالهای ۴۳ و ۴۴ بوده و برادر نیکم خاکساز است وی در زندان به اعضای هیئت میگفت، صارمی (یکی از افسران سابق زندان که اخیراً توسط دادگاه انقلاب محکوم بحبس شد) هنگام برخورد با ما باستهزاء میگوید جای شما همیشه در زندان است چه در زمان رژیم سابق و چه الان!

۶- سازمان میتواند مقدار کالای مورد نیاز را تا میزان ۲۵٪ کاهش یا افزایش دهد.

۷- چنانچه برنده مناقصه از انجام معامله امتناع نماید سپرده او بنفع سازمان ضبط و معامله با نفر دوم انجام خواهد شد.

۸- هرگونه مالیات و حقوق و عوارض که بر این معامله تعلق گیرد به‌همد برنده مناقصه می‌باشد.

سازمان آب منطقه ای فارس

پیغام امروز

جریان روز

سیل در روستاهای کرمانشاه

طبق گزارش های رسیده از ایستگاه فیروزآباد بدینال بارندگی و ریزش کوه ۸۰ خانوار واحشام آنها در دامنه کوه گدار پیر در گروگان داربالوند طعمه سیل شدند و با گزارش جریان بسا تشکیل ستاد کمک و کمیته امداد از طرف استانداری کرمانشاه کمک های لازم به سیل زدگان رسید. در جریان سیل و ریزش کوه یک تن کشته و پنجن دیگر مجروح شده اند.

عضو معتمد دادگاه انقلاب کرمانشاه استعفا کرد

کرمانشاه خبرگزاری پارس - غلامحسین شادمان عضو معتمد دادگاه انقلاب اسلامی کرمانشاه امروز از سمت خود کناره گیری کرد. شادمان طی تلگرامی استعفا خود را به شورای انقلاب اسلام و آقای مهدی هادی دادستان کل انقلاب اعلام داشت.

خواستهای ۲۰۰ روستایی رانده شده

دویست تن از روستائیان رانده شده ارومیه و سلماس با انتشار اعلامیه ای به دفتر آیت الله خمینی اعلام کردند:

حدود دو ماه است که ما روستائیان اطراف ارومیه و سلماس توسط اربابان متجاوز از خانه و زمین خود محروم شده و سرگردانیم در این مدت علیرغم شکایات و تحسین اعتراض اثری نداشته است ما از رهبر ملت مسلمان ایران امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی و هموطنان مسلمان خود مصراجه خواستاریم که هرچه زودتر با قاطعیت به خواسته های ما رسیدگی کنند:

- ۱- کنترل مرزهای منطقه.
- ۲- ایجاد امنیت با استقرار پاسگاههای ژاندارمری و نیروهای انتظامی و خلع سلاح عمومی.
- ۳- جبران خسارات مادی و معنوی وارده به روستائیان.
- ۴- دستگیری و مجازات یاقیان و متجاوزان به حقوق انسانی و اموال روستائیان.

سخنرانی دکتر مشوچهر مزاورانی
بمناز ظهر امروز درباره کردستان و مسئله ملی در سالن دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران سخنرانی خواهد کرد.

استخدام دبیر کنکور
فدای دهر با سابقه دروس کنکور استخدام میفرد
بانقن ۶۲۵۴۸ تماس بگورند.
۵۳۱۲-۲

تصحیح مربوط به مناقصه حمل ماشین آلات
اشتباهاً پنجاه هزار ریال چاپ شده
رقم صحیح سپرده شرکت در است.

آهنگر منتشر شد

لایحه مطبوعات

بقیه از صفحه ۱
جمعی و وضع قانون کردن برای مطبوعات، به منزله کار گذاشتن میان این وسایل و جدا کردن آنهاست، به وسایل ارتباط جمعی انحصاری و وسایل ارتباط جمعی غیر انحصاری، اما محدود و مشروط!

این مطلبی است که باید، مسئولان وزارت ارشاد ملی و روی آن بازبک شوند، و در مقام کارگزاران دولت موقت انقلاب، مسئولیت مطبوعات را در نظر بگیرند، آنگاه به تعریف و تحدید مطبوعات مباحث و روزنه. زیرا این سندی است که از میزان آگاهی و اعتقاد دولت موقت انقلاب نسبت به آرزوهای انقلابی و نسبت به حقوق مردم به تاریخ سپرده می شود، نه یک متن معمولی که در دوران حاد نظیر آن رافران و روزارتخانه ها ادارات تهیه می کنند.

برهنای چنان تعریف ناقص است که می بینیم ماده دوم قانون شکل گرفته است و برای انتشار شرط امتیاز عنوان کرده: «امتیاز تقریباً به اشخاص حقیقی دارای تابعیت و سرمایه ایرانی داده می شود».

در حالی که هر آدم بالغ و عاقل همان اندازه که حق دارد روزنامه یا مجله، یا نشریه دیگر را تهیه کند و در یک جامعه آزاد، حق تولید آنرا هم باید داشته باشد. و این حق را نمی توان مشروط به «امتیاز» کرد، و آنهم امتیازی که باید به وی داده شود.

هر چند در اصل، همه کس از حق تولید روزنامه و مجله و نشریه استفاده نمی کند. ولی سلب حق از افراد جامعه، پایت اینکه قصبه یا اسکان استفاده از آنها ندارند، در شان دولت مردمی و حکومت معتقد به حقوق مردم نیست. و لایحه «امتیاز» را جای و حق نشانند.

در طرح اعلام شده، فقط امتیاز نیست که جانشین حق شده است بلکه برای امتیاز هم شرایطی پیش بینی کرده اند سرمایه، تابعیت ایرانی، داشتن حداقل ۲۰ ساله، نداشتن محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی بشود، محجور نبودن، معروف بودن به درستی و امانت داری و نفوی سیاسی و حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی، داشتن حداقل گواهی نامه پایان تحصیلات دوره کامل دبیرستان یا داشتن ۵ سال سابقه روزنامه نگاری.

شرط سنی بیست ساله و نداشتن محکومیت کیفری سالب حقوق اجتماعی، بطور کلی از سایر شرایط خطی جداگانه دارد، طبیعی است که محدود سن بلوغ، سن برخورداری فرد از حقوق طبیعی و اساسی او در جامعه است. و حسن برخورداری از آزادی بیان و عقیده، که از طریق نکار گرفتن و وسایل ارتباط جمعی تأمین می شود، از این مدار است.

همچنین قید شرط نداشتن محکومیت کیفری سالب حقوق اجتماعی، (به شرط آنکه این محکومیت سیاسی نباشد) قیدی است منطقی، فردی که نظام جامعه، او را، باید تقصیری و تجاوزی اجتماعی، به سلب حقوق اجتماعی محکوم ساخته است، از جمله حقوق سالیانه او یکس هم حق ایجاد رابطه برای بیان عقیده و اندیشه با جامعه است.

و اعتقاد جامعه از چنین فردی، برای اداره و قوامین وسیله ارتباطی سلب شده است. اما، شرایط بعدی و هیچ یک لایسای با هم ندارند. و بطور کلی شرایط مزاحم یکدیگر می آیند که از آنها بحث خواهیم کرد.

دولت موقت انقلاب و سیاست خارجی

بقیه از صفحه ۱

آقای مهندس بازرگان! آن دولت موقت انقلاب، که هنوز حرات نکرده است استاد محرمانه پیمان خرابکاری و جاسوسی ستورا، که رژیم سرنگون شده ایران عضو فحاش بوده، فاش کند، و در اختیار مردم ایران بگذارد، آن دولت موقت انقلاب، که هنوز حرات نکرده است، استاد محرمانه «سوار» را افشا سازد، چه درباره خارج از ایران و در قلمرو خلیج فارس و سرزمینهای همسایه، و چه درباره داخل، آن دولت موقت انقلاب که هنوز بطور قاطع و می گوشت انواع قراردادهای محرمانه و از جمله - هزار قرارداد دوجانبه ایران و آمریکا را سر بسته و افشاشده نگاه دارد، و جای محکوم کردن امپریالیسم آمریکا، با سنده و مدرک، به بحث تشریفاتی درباره سابقه سفیر جدید آمریکا در ایران می پردازد، چگونه اجازه می دهد که عوامل و امکانات محصلت مملکت، از رادیو و قلمرو بیرون، تا نظایرات وسیع، و سروادات سیاسی، (رحتی اظهارات فرمانده نیروی دریایی و استاندار خوزستان) در گفاری حرکت کند که روابط همجواری ایران را با همسایگانش، دچار مخاطره سازد؟

اگر باید برای بازگشت علمی امپریالیسم آمریکاییه ایران، ستم را به آتش نزدیک کرده شما چنین نکنید، حیث است از دولت موقت انقلاب، که اجازه دهد، دیگران در زمینه سیاست خارجی مملکت، برایش مشکل و مصیبت پتراشد.

بحث بر سر سفیر معرفی شده آمریکانیست که از زهره به تهران می آید، این را که وول اول مطرح کردیم، بحث لازم تر بر سر گزاره و سفارت امریاست، آقای چهارلزناس، و ما رسیدیم و کسی از مذاکرات ایشان با وزارت خارجه و با شاپچی برای مردم نگفت. آخر مگر جزو سندها نیامده بود که ایشان هم عضو هیات هستند؟ و آنها چه رابطه ای میان این مذاکرات، و بر آشفته کردن سیاست خارجی ایران در قلمرو همسایگی هاست؟

عاملان کشتار خرمشهر

بقیه از صفحه ۱
هیچکس آن را پیش بینی نمی کرد
سؤالات فراوانی مطرح کرده
است. مدلی در جواب این سؤال
که تا چند ساعت قبل حاضر به
ملاقات با آیت الله العظمی بروجردی
و نامبرده را رهبر جامعه عرب
نمیدانست چگونه به توافق رسیده
است جواب میدهد: «ملاقات
دوستانه بود و در این مذاکرات
تمام خواسته های آنان که مورد
تأیید من هم هست توافق یافتیم
و قرارداد حقوق اعراب رعایت
و در مورد مشاغل و غیر مساوات
بین افراد بومی و غیر بومی برقرار
شود، و پاسداران و افرادی که از
تهران و دیگر شهرها به منطقه
آمده اند از خرمشهر خارج شوند».

خبرنگار روپتر در تماس

با آیت الله آل شبیر خاتانی که محاکمه و برکناری مدنی را شرط مذاکره و آرامش در منطقه میدانست تماس گرفته و گزارش میدهد: مقامات و استالدار با تقاضاهای ما موافقت کردند و تمهید نمودند که زندانیان را آزاد کنند و در مورد ایجاد شغل و مساوات فغلی بین اعراب و دیگران اقدام فوری بعمل آورند. آل شبیر خاتانی که بعنوان رهبر جامعه عرب در چند روز گذشته عمل نموده و اعلامیه های در زمینه اغتشاشات خرمشهر صادر کرده بود در تماس با خبرنگار اضافه کرد: «استاندار قول داده است فوراً به خالوادهائی که افرادشان در جریانات چند روز گذشته شهید شده اند کمک نماید و عاملین و مسببین کشتار را مجازات نماید».

دولت کوبت

کوبت - روپتر - روز ۱۳ خرداد «صدای حسین» سفیر دولت ایران کوبت به وزارت خارجه کرده و در مورد اظهارات مدنی دایر بر اینکه کوبت تحرکات خرمشهر شرکت توضیح خواسته است. مقام گویتی اظهارات مدنی را تکذیب نموده و اعلام داشت کوبت در نظر دارد با روابط دوستانه ای داشته و هیچ وجه مهل ندارد در داخلی مربوط به ایران دخالت نماید».

گروه های

از تهران گفت که روحانیون گروه های سیاسی کردستان به تصمیم گیری در مورد ط خودمختاری روز ۲۰ خرداد متذلل اجتماع خواهند کرد. بر اساس گزارش رسیده از مهاباد، در شهر مختلف کردستان شایع است بولی از طرف دولت در مفتی زاده قرار گرفته است جریبان گروه های متذلل گروهی از روحانیون بخش کرد.

اشتراک روزنامه برای هم میهنان خارج از کشور

روزنامه پیغام امروز را می توانید مشترک شوید. روزنامه هفته دوبار با پست هوائی ارسال خواهد شد. برای اشتراک فرم زیر را پر کرده و همراه با حواله بانکی به صندوق پستی شماره ۴۱/۲۶۶۷ ارسال دارید. اشتراک شش ماهه ۳۴۰۰ ریال اشتراک یکساله ۶۸۰۰ ریال

Name: _____
Address: _____
City: _____
State: _____